

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پایه های علمی و منطقی عقائد اسلامی

آیت ا... ابوطالب تبریزی

مقدمه

حجج الله على الخلق اجمعين ارزشمندترین دانشها، دانش و علم به معارف الهیه و آشنائی با دلائل قطعیه عقائد حقه است که راه گشای انسان بسوی سعادت ابدی می باشد. قرآن کریم تفکر و اندیشه در آفریدگار جهان و هدف آفرینش را به انسانها تذکر داده و راه و روش آنرا چنین بیان می دارد :

ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار

لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و

على جنوبيهم و يتفكرون في خلق السموات و الارض ربنا

ما خلقت لهذا باطلا سبحانه فقنا عذاب النار .

ربنا انك من تدخل النار فقد اهزيتة و ما لظالمين من انصار

ربنا اننا سمعنا مناديا ينادى للايمان ان آمنوا بربكم فامنا ربنا

فاغفر لنا ذنوبنا و كفر عنا سيئاتنا و توفنا مع الابرار ربنا و

آتنا ما وعدتنا على رسلك و لا تخزنا يوم القيامة انك لا

تخلف الوعد .

سوره آل عمران آيه ١٩٣-١٩٠

در اين آيات خداوند تعالى توجه انسانها را به آيات و نشانه هاى

الهى جلب مى كند. «ان فى خلق السموات و الارض...

لَا يَأْتِ لَأُولَى الْآلِبَابِ» بتحقیق در خلقت آسمانها و زمین و

پشت سرهم آمدن شب و روز آیاتی است برای دارندگان عقل و

بینش. «الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم»

آنانکه در همه حال به یاد خدا هستند، در حالات مختلف زندگی،

در حال ایستاده، نشسته و به پهلو خوابیده - یاد خدا تعطیل

ندارد در حال استراحت و در حال اشتغال به فعالیتها یاد خدا باید

در دل محفوظ باشد .

«و یتفکرون فی خلوق السموات و الارض ربنا ما خلقت لهذا

باطلا سبحانک» تفکر می کنند در آفرینش آسمانها و زمین،

پروردگارا تو دستگاه آفرینش را بیهوده نیافریدی تو از بیهوده کاری

مبرا هستی - اگر تنها همین است که ما متولد شویم و بخوریم

و بخوابیم و زندگی مادی را سپری کنیم و بعد هم بمیریم، که

می شود بازیچه، چگونه می شود که آفرینش بی هدف باشد،

اگر فردی را ببینید که کار بیهوده می کند او را سرزنش می

«لَا تَخْلَفُ الْوَعْدَ» پروردگارا ما شنیدیم که ندا دهنده ای ندا سر

داده است که به پروردگار خود ایمان آورید، ما هم ایمان آوردیم، تو نیز ما را بیامرز و بدیها و گناهان ما را بریز و ما را با نیکان از دنیا ببر، و آنچه را که توسط رسولان خود به ما وعده داده ای عطا کن و در روز قیامت ما را خوارمساز، بیقین تو برخلاف وعده خود رفتار نمی کنی .

این زندگی کوتاه را برای اولین بار و آخرین بار در اختیار ما گذاشته اند، یکبار انسان به این جهان می آید و مدت کوتاهی نصیب اوست، آیا نباید انسان عاقل بیندیشد که این مدت کوتاه را صرف چه چیز بکنم؟! همینطور خود را تسلیم کردن به حوادث روزگار صحیح است؟! یا آنکه باید فکر کند از نعمتی که به من داده شده و دوباره داده نخواهد شد چگونه باید بهره برداری کنم و برای چه آفریده شده ام؟ اینجاست که انسان باید به فکر هدف خلقت و آفرینش خود بیفتد که خدا مرا برای چه خلق کرده، برای

این تفکر باید ابتدا در نظر گرفت که انسان چیست؟

میدانیم که ماهیت انسان حیوان ناطق است، نه تنها بگفته

فلاسفه، بلکه خودمان نیز می بینیم امتیاز انسان از دیگر

موجودات طبیعت آنست که جماد نیست و نمو دارد، و در میان نباتات نیز ممتاز است به اینکه مانند سائر حیوانات متحرك بالاراده است .

در میان حیوانات هیچ امتیازی برای انسان از نظر جسمی نیست بلکه انسان نیاز به پوشاك دارد و حیوانات دیگر نیاز به پوشاك ندارند. بسیاری از حیوانات از نظر بینائی و شنوائی از انسان نیرومندترند، و همچنین امتیازات دیگر جسمانی .

امتیازی که به انسان برتری داده نیروی ادراك است این نیرو در انسان بسیار قوی است. پس ویژگی عمده ای که در آفرینش انسان بکار رفته نیروی ادراك و قدرت فهم است. از اینجا می فهمیم هدف از آفرینش انسان که تنها از انسان ساخته است علم است .

ارزشمندترین علم آنست که به والاترین و برترین معلوم تعلق گیرد و آن علم خداشناسی است، قرآن می گوید «و ما خلقت

الجن و الانس الا ليعبدون» ای ليعرفون، هدف از آفرینش

انسان شناخت خداست .

اگر انسان از شناخت پروردگار متعال غفلت کند در واقع از انسانیت خود بهره گیری نکرده است، سعادت انسان منوط به ارتباط با پروردگار عالم است، ارتباط آفریده با آفریدگار، ارتباط ممکن الوجود با واجب الوجود، و مخلوق با خالق، و ظل با ذی ظل، سایه با سایه افکن، موجود ناپایدار با موجود پایدار. حتی در زندگی مادی هم انسان نیازمند به این ارتباط است، قرآن می گوید «و من اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکاً» هر کس از یاد پروردگار غافل شود سختی زندگی به او فشار می آورد.

آسایش زندگی تنها به خور و خواب نیست، انسان ممکن است در میان رختخواب نرم غنوده باشد ولی خیالات اضطراب آور چنان وجود او را تحت سلطه قرار دهد که اگر روی سنگ های سخت می خوابید و آن افکار کشنده را نداشت قطعاً آرامش بیشتری داشت. تنها چیزی که به انسان آرامش روحی می بخشد، و انسان را در برابر حوادث پیش بینی شده و پیش بینی نشده مقاوم و با آرامش نگه می دارد یاد خداست .

سرتاسر جهان آیات خداست، همانطور که قرآن همه آیات خداست، تمام آفرینش آیات خداست، جهان کتاب الله تکوینی

است. کتاب الله بر دو گونه است، کتاب الله تشریحی که آخرین و کاملترین آنها قرآن کریم است، و دیگر کتاب الله تکوینی . آنچه در کتابها نوشته شده و در کتابخانه های دنیا ثبت است اطلاعات بسیار ناچیزی از اسرار جهان آفرینش است که کتاب الله تکوینی است .

و فی کل شیئی له آیه **** تدل علی انه واحد

برگ درختان سبز در نظر هوشیار **** هر ورقش دفتر است
معرفت کردگار

تمام رشته های علوم طبیعی که پیشرفت کرده و تمدن بشر را به حد غیر قابل مقایسه ای با زمانهای گذشته رسانده علم خداپرستی هستند، و هر قانون طبیعی که کشف شده مرتبط با بوجودآورنده و قانونگذار آنست .

ما در این نوشتار برخی از براهین قطعی اصول معارف الهی و عقائد اسلام و امامیه را تا حدّ لازم، از قرآن کریم و احادیث و کتب تفسیر و کلام و تاریخ ملل و رشته های علوم طبیعی استخراج و گردآوری نموده ایم، تا در عروج به مدارج کمالات الهی یار و مددکار اهل بینش و اندیشه باشد .

ناگفته نماند اصل این کتاب بعربی نگاشته شده سپس بفارسی هم ترجمه شده است .

بجز آنچه در بخش خداشناسی و توحید مربوط به علوم طبیعی است و در آنها به منابع فارسی استناد شده که آنچه در این نوشتار آمده اصل است و بعربی ترجمه شده است .

ترجمه بخش امامت این کتاب از عربی به فارسی توسط فاضل دانشمند حجّة الاسلام آقای شیخ محمد تقی مجتهدی تبریزی دامت تأییداته انجام گرفته که زحمات ایشان موجب تقدیر و تشکر است .

براهین خداشناسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

معرفة الله (خداشناسی) فطری است

افى الله شك فاطر السماوات و الارض

سوره ابراهيم / آیه ۱۰

خداشناسی و معرفة الله در فطرت و خلقت انسان نهاده شده، و بفطرت خود بدون نیاز به هر برهانی وجود خدا را ادراك می کند .

قرآن می گوید «فاقم وجهك للدين حنيفاً فطرة الله التي

فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن

اكثر الناس لا يعلمون. سوره روم / آيه ۳۰

در دعای حضرت سیدالشهدا، علیه الاف التحية و الثناء چنین

آمده: «كيف يستدل عليك بما هو في وجوده مفتقر اليك

ايكون لغيرك من الظهور ما ليس لك متى غبت حتى تحتاج

الي دليل يدل عليك عميت عين لا تراك عليها رقيباً و

خسرت صفقة عبدلم تجعل له من حباك نصيباً». یعنی: بار الها

چگونه می شود استدلال کرد بر تو با موجودی که در ذاتش به تو

نیازمند است، آیا موجودات دیگر ظهوری دارند که تو نداری «متی

غبت حتی تحتاج الی دلیل...»، یعنی :

کی غائب شده ای که نیازمند به دلیل باشی؟ کور باد دیده ای که تو را مراقب خود نبیند و در خسارت باد سرمایه بنده ای که برایش از حب خود نصیبی قرار ندادی در کلمات امیرمؤمنان علیه السلام نیز آمده است :

«ما رأیت شیئاً الا و رأیت الله قبله و بعده و معه»، چیزی را

ندیدم جز آنکه خدا را قبل از آن و بعد از آن و با آن دیدم .

در ادعیه امیرالمؤمنان - علیه السلام - نیز هست :

«یا من دل علی ذاته بذاته»، ای کسیکه دلیل او خود اوست .

انسان دارای ادراکات فطری است، بالفطره آنها را بدون توقف به برهان و دلیل ادراک می کند، چنانچه در روانشناسی آمده انسان هم دارای ادراکات غریزی است که در آن با سائر حیوانات اشتراک دارد، مانند ادراک حب فرزند و ادراک دردهای جسمانی، و

هم دارای ادراکات فطری است که ویژه انسان است، و بالبداهه آنها را بدون نیاز به برهان و دلیل ادراک می کند، مانند محال بودن اجتماع نقیضین. ادراک وجود خدا نیز از جمله ادراکات فطری انسان است .

بعضی احتمال داده اند، ادراک فطری وجود خدا نیز به نوعی برهان برمی گردد، زیرا برهان پی بردن از معلول به علت، برهانی است ابتدایی و ساده و هر انسانی بعد از آنکه فهمید من هستم، پیش از آنکه موجودات دیگر را درک کند و قبل از آنکه چشم و زبان و ذائقه اش چیزی را درک کند می تواند بفهمد که من هستم و بدنالش تشخیص دهد که من نبودم و هستم، فوراً ناخودآگاه برهانی در اندیشه اش نقش می بندد و نتیجه می گیرد که بوجود آورنده ای دارد این برهان ساده و ابتدایی است ولی اینکه بعضی گفته اند فطرة همین برهان است صحیح نیست زیرا فطرت بالاتر از اینست که توسط معلول علت را ادراک کند.

تاریخ بشر از ابتدا نشان می دهد که او همیشه خداشناس بوده، هیچ دلیلی بر این نیست که بشر در مرحله ای عقیده به خدا نداشته، بلکه آثار بدست آمده از حفاریها نشانه های

خداشناسی انسان را نشان می دهد در همه جامعه ها
انسانها خداشناس بوده اند و حتی بت پرستها نیز در حقیقت
خداشناس بوده و در تعیین مصداق اشتباه کرده اند و در جوامع
کمونیستی نیز مردم وقتی آزاد شدند اظهار خداشناسی کردند
و این گواهست که آنها در طول ۷۰ سال مانند آتش زیرخاکستر
در نهان خود خداشناس بوده اند .

براهین اثبات واجب الوجود

برهان در اصطلاح منطق، قیاسی است که افاده یقین کند، بطور
فشرده، منطق ۹ فصل دارد که ۴ فصلش کلیات است و اشکال
اربعه و کیفیات قیاسات است و ۵ فصل دیگر انواع قیاسها است
که عبارتند از: برهان، خطابه، جدل، مغالطه، شعر .
برهان یعنی دلیل قاطع که افاده یقین می کند. بر دو قسم
است: برهان لمی و انی .

حکیم حاجی سبزواری گوید :

برهاننا باللمّ و الانّ قسم **** علم من العلة بالمعلول لم

و عکسه انّ و لم اجبوه **** و هو باعطاء الیقین اوئوه

برهان ما به لمّ و انّ تقسیم می شود، علم از علت به معلول
(مانند پی بردن از آتش به سوخته شده) لمّ نام دارد و عکس
این یعنی از معلول پی به علت بردن را انّ گویند که برهان لمّ بر
آن تقدم رتبی دارد .

برای اثبات واجب الوجود جلت عظمته براهین زیادی وجود دارد
که از جمله براهین زیر است :

- 1 برهان صدیقین

- 2 برهان امکان و وجوب .

- 3 برهان حدوث

- 4 برهان حرکت

- 5 برهان نفس

- 6 برهان نظم

- 7 برهان حکمت

- 8 برهان جمال .

براهین هشتگانه ای که ذکر شد ۶ برهان از آنها بعد از معرفت
موجودات است که به توسط شناخت چیزی پی به خدا می بریم
و این نوع برهان انّ است که عبارتند از برهانهای حدوث، نفس،
حرکت، نظم، حکمت و جمال که انّی هستند و اما برهان لمّی

برهان صدیقین و برهان امکان و وجوب است که بدون نیاز به شناخت سائر موجودات وجود خدا را اثبات می کند .

برهان اول خداشناسی: برهان صدیقین

او لم یکف بربک انه علی کل شیئی شهید

سوره فصلت / آیه ۵۴

برهان صدیقین تقریرهای مختلف دارید که از جمله دو تقریر ذیل است:

تقریر اول

بالبداهه در خارج موجود هست، سوفسطائی نیز که بود و وجود موجودات را انکار کرده است قهراً به بود و وجود موجودی اقرار دارد، زیرا بناچار انکار کردن خود را تصدیق می کند، و به بود و وجود خود و انکار خود اقرار دارد، پس انکار وجود مستلزم اقرار به وجود است .

موجودات در خارج مشتمل بر یک موجود واجب الوجود هست .

زیرا اگر مشتمل بر واجب الوجود نباشد موجود در بود و وجود خود نیازمند به غیر موجود خواهد بود، غیر موجود معدوم است، معدوم بالبداهه محالست منشأ وجود بوده و هستی بخش باشد .

آری درك بود و وجود موجودی در خارج که برای همه بدیهی است درك وجود واجب الوجود را بدنبال دارد .
با تامل در آنچه گفته شد آشکار می شود که اصل وجود واجب الوجود برای انسان بدیهی است و براهین اثبات آن در حقیقت تنبیه و یادآوری بداهت آنست. در «اسفار» گوید» برهان صدیقین محکم ترین و شریف ترین برهان هاست، و آن برهانی است که حد وسط آن عین نتیجه، و راه بسوی مقصود عین مقصود است، و آن همانا راه صدیقین به واجب الوجود است »

توضیح این کلام آنست: حد وسط که «در اصطلاح منطق منشأ حصول علم به نتیجه است در این برهان عین نتیجه است» و منظور از اینکه راه بسوی مقصود در آن عین مقصود است : اینست که این برهان از ادراکات فطری بدیهی تشکیل یافته و نتیجه آن عین همین ادراکات فطری بدیهی است، نه اینکه

بواسطه علم به چیز دیگری برای انسان علم به نتیجه حاصل می شود .

در «اسفار» گوید: آیه فوق الذکر گویای همین طریقه صدیقین است که با خود خدای تعالی بر او استشهاد می کنند، سپس با او بر صفاتش، و با صفاتش بر افعالش استشهاد می نمایند .

تقریر دوم

ما در خارج بالبداهه وجود را ادراک می کنیم، بالبداهه وجود یا واجب است یا ممکن، اگر ممکن باشد نیاز به علت دارد که آنرا ایجاد کند. غیر وجود، عدم و ماهیت است، عدم که هیچ است و منشأ اثر نمی شود، ماهیت نیز اصالت ندارد، اعتباری است و شاغل خارج نیست و نسبت به وجود و عدم علی السویه است . پس وجود نیاز به غیر وجود ندارد و واجب است، و وجودات ممکنه و ممکن الوجودها معلول وجود واجب الوجود می باشند که صرفاً وجود است .

برهان دوم خداشناسی: برهان امکان و وجوب

بالبداهه می دانیم که موجودی در خارج وجود دارد، آن موجود یا واجب الوجود است که بحسب ذات عدم او محال و ممتنع است،

و یا ممکن الوجود است که بحسب ذات ممکن است موجود شود و ممکن است معدوم باشد که اگر به وجود آید نیاز به علت و بوجود آورنده دارد .

حال اگر آن موجود که بالبدهه وجود آنرا درك کرده ایم واجب الوجود باشد مطلب ثابت است، و اگر ممکن الوجود باشد باز نیاز به موجود دیگری دارد که آنرا به وجود آورده است، بهمین ترتیب ادامه پیدا می کند تا به موجودی برسد که واجب الوجود است و نیاز به موجود دیگری که آنرا به وجود آورد ندارد .

و اگر موجودی که واجب الوجود است نباشد و سلسله موجودات به موجودی که واجب الوجود است نرسد، مجموع سلسله موجودات که همه افراد آن ممکن الوجود است فاقد علت و بوجود آورنده خواهد بود و وجود معلول بدون وجود علت محال است، پس وجود سلسله علل و معلولات که منتهی به علتی که معلول نباشد نرسد محال است.

مثال: اگر وجود را تشبیه به نور بکنیم، بعضی از نورها استقلالیه هستند و بعضی تبعی و شعاعی .

از نور آفتاب ما می توانیم نور تبعی بگیریم، اگر آئینه ای را در برابر آفتاب قرار دهیم. نور آفتاب در آن منعکس می شود، و اگر در

مقابل آن آئینه، آئینه دیگری قرار دهیم، آن آئینه هم از آئینه نخستین نور خواهد گرفت، همچنین اگر آئینه های متعددی به این ترتیب مقابل همدیگر قرار داده شود، نور به ترتیب از هر يك به دیگری سرایت می کند و هر کدام از دیگری کسب نور می نماید .

نور همه آئینه ها تبعی است و نور استقلالی نور خود آفتاب است، و محال است. نور تبعی بدون نور استقلالی وجود داشته باشد، به مجرد اینکه آفتاب غروب کرد همه آن نورها از بین می رود

همچنین وجودات تبعی که وجود آنها از ناحیه دیگر است و از خود استقلالی ندارند، اگر يك وجود استقلالی نباشد همه آنها نابود خواهند بود .

برهان سوم خداشناسی: برهان حدوث

برهان حدوث برهان متکلمین است و تقریر آن چنین است :
عالم حادث است، پس در وجود خود نیاز به محدث و بوجودآورنده دارد که آن واجب الوجود است زیرا اگر آن هم حادث باشد

مستلزم دور یا تسلسل است که هر دو باطل و محالست. حادث بودن عالم با دو مقدمه روشن می شود .

«مقدمه نخستین» اجسام هرگز از حرکت و سکون خالی نیستند و آن هر دو حادث هستند، زیرا حرکت، بودن جسم است در مکان دوم، بعد از بودن او در مکان اول، و سکون بودن جسم است در آن دوم در مکان اول، بعد از بودن او در همان مکان در آن اول، و این دو بودن عین هم نیستند زیرا اگر عین هم بودند ممکن نبود در آن اول که در مکانی بود در آن دوم در آن مکان نباشد .

«مقدمه دوم» هر موجودی که بحسب ذاتش محالست از حوادث منفک شود محالست که خود او حادث نباشد. توضیح این مطلب را در تقریر برهان حرکت ذکر خواهیم کرد .

برهان حدوث به شیوه علوم طبیعی

این برهان سهل و ممتنع است یعنی برهان حدوث را می توان با زبان ساده مطرح کرد و می توان با زبان علمی .

به زبان ساده: اینکه می بینیم در عالم ما نبودیم و بوجود آمدیم و شب و روز پشت سر هم می آیند و همچنین فصلهای سال در حال تبدل است، و همچنین نباتات و جمادات، زیرا کوهها هم متغیر است، بطوری که زمین شناسان از رگه های کوهها ارتباط آنها را با زمانهای گوناگون بدست می آورند. همه چیز در حال تغیر است، انسان سیر می شود، گرسنه می شود، پیر می شود و

و اما آنچه در علم فیزیک ثابت شده قانون ترمودینامیک است که اثبات می کند جهان مسبوق به عدم بوده و بیش از مدتی بکلی معدوم بوده است.

قانون ترمودینامیک

همه علوم در حقیقت علم خداشناسی است و علم خداشناسی منحصر به علوم حوزوی نیست «و فی کل شیئی آیه» در همه چیز نشانه پروردگار موجود است .
لاوازیبه یکی از دانشمندان قرون وسطی مدعی بود که ماده نه کم می شود و نه زیاد و این را تا مدت مدیدی دانشمندان پذیرفته بودند .

علم در قرن بیستم ثابت کرد که این مدعا باطل است زیرا ماده کم می شود و همین مسئله بنام ترمودینامیک نامیده شد و مورد پذیرش همه دانشمندان بوده و هست .

این قانون می گوید ماده بتدریج به انرژی تبدیل، و مصرف می شود تا آنکه ماده بکلی نابود شود .

قانون ترمودینامیک یعنی قانون تبدیل ماده به انرژی، در فیزیک ثابت شده که ماده قابل تبدل به انرژی است و طبق معادله معروف انشتین :

انرژی رها شده = جرم ماده مربع سرعت نور ($300/000$ کیلومتر در ثانیه)

و جرم ماده = انرژی رها شده تقسیم بر مربع سرعت نور
قانون ترمودینامیک همان سیستم انتروپی است

اصل انتروپی می گوید عناصر از حال تشکل آلی به طرف فرو ریختن و تمام شدن پیش می رود و به این ترتیب ثابت شده موجودات مادی انتها دارند و باید ابتدا نیز داشته باشند، طبق قانون ترمودینامیک نه تنها ثابت شده که جهان ابتدایی داشته و از عدم بوجود آمده است بلکه دانشمندان فیزیک توانسته اند

عمر جهان را نیز از بدو پیدایش تاکنون تعیین کنند پس از این راه نیز حادث بودن جهان ماده ثابت شد .

برهان چهارم خداشناسی: برهان حرکت

در «اسفار» گوید: برهان حرکت برهان خلیل الرحمان است .
آیات ذیل اشاره به همین است .

فلما جن علیه اللیل رای کوکبا قال لهذا ربی فلما افل قال لا

احب الافلین فلما رأى القمر بازغاً قال لهذا ربی فلما افل قال

لئن لم یهدنی ربی لا کونن من القوم الضالین فلما رأى

الشمس بازغاً قال لهذا ربی لهذا اکبر فلما افلت قال یا قوم

انی بریٰ مما تشرکون انی وجہت وجرہی للذی فطر

السموات و الارض ہنیفاً و ما انا من المشرکین .

سورہ انعام / آیه ۷۵-۷۹

برہان حرکت از سه مقدمه تشکیل می یابد :

- 1 عالم در حرکت است

- 2 حرکت مشتمل بر انوجاد و انعدام است

- 3 وجود بعد از عدم بدون علت محال است .

مقدمه دوم مربوط به هویت حرکت است، حرکت هر آن در حال

تغییر است مثلاً جسمی را از فاصله یک متری از بالا رها می

کنید در هر آن، آن جسم در نقطه ای است که در آن بعدی در آن

نبوده، اگر دو آن در یک نقطه باشد حرکت تبدیل به سکون شده،

حرکت همواره چنین است هر چیزی همیشه در حال حرکت از

وضعیتی به وضعیت دیگر در انتقال است، مثال دیگر چرخ ماشین

است که وقتی از مبداء تا منتہی سیر می کند در هر آنی در

نقطه ای از جاده قرار می گیرد که در آن نقطه نبوده است.

حرکت عالم طبیعت بحسب علم هیئت

زمین را ساکن احساس می کنیم و در علم هیئت قدیم آنرا ساکن می دانستند، ولی امروز حرکت آن از ابتدائی ترین علوم شده که در هر یکسال یکبار به دور خورشید می چرخد، مدتی خیال می شد خورشید ثابت است بعد کشف شد که خورشید هم در حال حرکت است، می گفتند عده ای از ستارگان ساکنند، ولی بعد اثبات شد که همه ستارگان در حرکتند و خورشید نیز با همه سیاراتش در حال حرکت است، و با سرعت ۲۵۰ کیلومتر در ثانیه بر دور نقطه مرکزی کهکشانش می گردد، میدان حرکت خورشید بر دور کهکشانش چنان وسیع است که با سرعت ۲۵۰ کیلومتر در ثانیه هر ۲۰۰ میلیون سال یکبار آنرا طی می کند. (۱)

همچنین گفته اند خورشید علاوه بر حرکت مذکور با سرعت ۲۰ کیلومتر در ثانیه به سمت ستارگان نوجائی می رود (۲) قرآن می

گوید: «والشمس تجری لمستقر لہا ذالک تقدیر العزیز

العلیم» خیال می شد قرآن با هیئت قدیم هم عقیده است و

الشمس تجری یعنی همان حرکت خورشید که می بینیم، بعد ثابت شد حرکتی که در رابطه با خورشید احساس می کنیم ناشی از حرکت زمین است نه حرکت خورشید، باز بعد از مدتی ثابت شد که خود خورشید هم در حرکت است .

کهکشانی که منظومه شمسی در آنست و می گویند بزرگترین کهکشانش با سرعت معینی در فضا در حرکت است (۲)

دانشمندان طبیعی اعتراف کرده اند آنچه می دانند نسبت به آنچه نمی دانند بسیار ناچیز است .

حرکت ذرات عالم طبیعت بحسب علم فیزیک

اجسام از عناصر ساده تشکیل یافته که در حدود صد واحد شناسائی شده است .

تمام عناصر از مولکول تشکیل یافته، که در جسم معمولی در طول يك میلیمتر سه میلیون عدد از آن ردیف شده است. مولکول نیز از اتم ها تشکیل یافته است. کلمه (اتم) بمعنی جزء لایتجزی است، ولی علم آنرا نیز شکافته، هر اتم از اجزائی تشکیل یافته .

یکی از اجزاء آن الکترون است که نسبت به اتم خیلی کوچک است و يك اتم ئیدروژن

1- کتاب شگفتیهای آسمان - ترجمه به فارسی ص ۳۳

2- کتاب شگفتی های آسمان - ترجمه به فارسی ص ۳۳

3- این نظریه جهان شناسان پالومار است .

برابر ۲۰۰۰ واحد الکترون وزن دارد، الکترون ها با سرعت تمام به طور دائم در مدار خود دور هسته اتم می چرخند، بنابر این کوچکترین اجزاء عالم نیز در حرکتند. تا اینجا مقدمه اول که در حرکت بودن همه اشیاء جهان است اثبات شد، هم از نظر فلسفه و هم از نظر فیزیک .

چون انوجاد بعد از انعدام بدون آفریننده و محرك ممکن نیست پس وجود خدای جهان که محرك آنها است ثابت می شود که اشیاء را تحت نظم دقیق بوجود آورده است .

حرکت ذات اجسام بحسب علم فلسفه

در فلسفه ثابت است که جوهر و ذات اجسام همواره در حرکت و در حال تغییر است .

در مبحث اثبات تجرد واجب الوجود جلت عظمته و امتناع جسم بودن واجب الوجود، برهان حرکت جوهریه را بطور روشن ذکر خواهیم کرد .

برهان پنجم خداشناسی: برهان نفس

قال الله تعالى :

«نریرهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه

الحق»

فصلت / آیه ۵۳

و در حدیث آمده است «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (۱)
انسان خود بتنهایی کتابخانه بزرگی است که در آن کتابهای خداشناسی و توحید از آسانترین تا مشکلترین آنها گرد آمده است .

در میان آنها کتابهای خداشناسی بسیار در خور فهم کم فهم ترین انسانها تا کتاب هائی بالاتر از فهم و ادراك دقيق ترین و ریزبین ترین دانشمندان بشری وجود دارد .

هر انسانی در هر رتبه از علم و فهم و ادراك از کمترین تا عالیترین رتبه، آنچه به آن از کتابهای توحید و خداشناسی نیاز دارد در این کتابخانه بزرگ موجود است، و جای هیچگونه عذر برای فردی از افراد انسان در ترك مطالعه خداشناسی و فروگذاری در مسیر

1-بحار الانوار ج ۵۸ ص ۹۹

و راه معرفة الله و خداشناسی از راه خودشناسی وجود ندارد. در بدن و روح انسان اسرار بیشماری گرد آمده است، از امیرالمؤمنین علیه السلام در این مورد نقل شده است که فرمود :

و تحسب انك جرم صغیر **** و فيك انطوى العالم الاكبر

و انت الكتاب المبين الذی **** با حرفه يظهر المضمرة (۱)

«تو ای انسان گمان می کنی که جرم صغیر و کوچکی هستی، ولی عالم بزرگ اکبر در تو جمع بندی شده، تو کتابی هستی که با حروف آن خدای تعالی آشکار می شود.»

بدن انسان خود عالمی است که پنجاه هزار میلیارد سلول یعنی تقریباً ده هزار برابر جمعیت کره زمین که هرکدام يك فرد زنده مستقل است در آن زندگی می کنند و در فعالیت دستگامهای حیرت آور بدن انسان شرکت دارند. (۲)

سازمانهای بدن خیلی پیچیده تر از سازمانهای کشورهای جهان است، و برنامه های بسیار منظم و حیرت انگیزی در آن جریان دارد، و هر واحد سلول بدون کوچکترین سرپیچی از آنها پیروی و وظیفه محوله به او را انجام می دهد .

از آیات الهیه در انسان روحيات گوناگون و حیرت آور اوست

پاره ای از کشفیات علوم طبیعی را در ساختمان و سازمان بدن انسان در طی برهان نظم و حکمت یادآوری خواهیم کرد .

اما روح انسان مخزن اسرار است، دانشمندان در رشته های مختلف تخصص های علمی از درك كنه روح و حالات مختلفه او،

از علم و خیال و حافظه و فکر و اراده و حب و بغض و شادی و غم و خواب و بیداری و توجه و غفلت و غیر آنها، به عجز خود اعتراف کرده اند .

زیرا روح و هیچکدام از حالات آن نه با حواس ظاهری و نه با وسائل فنی قابل درک نیست همانگونه که قرآن می گوید :

«سئلونك عن الروح قل الروح من امر ربي»

سوره اسراء/آیه ۸۵

1- دیوان منسوب به امیرالمومنین(ع)

2- کتاب فیزیولوژی تن آدمی تالیف ایزاک آسیمون ترجمه دکتر

بهزاد

در «اصول کافی» کتاب توحید باب اول، حدیث دوم - بسند خود از

یکی از اصحاب ابی منصور متطبب چنین روایت می کند «قال:

كنت انا و ابن ابی العوجاء و عبدالله بن المقفع فی

المسجد الحرام، فقال ابن المقفع ترون لهذا الخلق؛ و او

مأَيِّدِهِ إِلَى مَوْضِعِ الطَّوَافِ: مَا مِنْهُمْ أَحَدٌ أَوْجِبَ عَلَيْهِ اسْمٌ

الانسانية الا لهذا الشيخ الجالس يعنى اباعبدالله جعفر بن

محمد (ع) الخ »

راوی می گوید: ابن ابی العوجاء (که زندیق بود) با ابن مقفع (که از اشخاص معروف آن عصر بوده) با هم در مسجدالحرام بودیم، ابن مقفع اشاره به کسانی که طواف می کردند نموده، گفت: می بینید؟ هیچکدام از آنها را من شایسته نام انسانیت نمی دانم جز آنکس که نشسته (یعنی امام صادق (ع)) که تنها او شایسته نام انسانیت است. ابن ابی العوجاء گفت: باید گفته تو را درباره او مورد آزمایش قرار داد. ابن مقفع گفت این کار را نکن می ترسم آنچه را که داری بر تو باطل سازد. ابن ابی العوجاء گفت: تو می ترسی که من او را بیازمایم و کذب گفته ات آشکار گردد. ابن مقفع گفت برو ولی خود را بپا .

راوی می گوید: ابن ابی العوجاء بسوی آنحضرت رفت، چون

برگشت گفت: «و یلک یا ابن المقفع ما لهذا بشر و ان کان

فی الدنيا روحانی يتجسد از انشاء ظاهراً و یروع اذا ناء باطناً

فرو هذا »

و ای برتو ابن مقفع، این بشر نیست، اگر در دنیا يك روح بود که هرگاه خواست بصورت جسم و تن ظاهر شود، و هر گاه خواست همان روح باطنی باشد همین است. ابن المقفع از جهت آن پرسید .

ابن ابی العوجاء گفت: پیش او نشستم، چون کسی دیگر غیر از من باقی نماند ابتداء به سخن کرده به من چنین گفت: اگر آنچه اینها (خداپرستان) می گویند صحیح باشد - چنانچه هست - اینها سالم ماندند از عذاب اخروی ولی شما منکرین هلاک شدید، و اگر آنطور باشد که منکرین می گویند - که آنطور نیست - شما و آنها مساوی هستید، زیرا در این جهان هردو گروه از بهره های دنیا استفاده کرده اید .

گفتم: ما و آنها همه يك سخن می گوئیم.

فرمود: آنها می گویند اعمال انسان بیهوده و بی نتیجه نیست و به همه آنها رسیدگی خواهد شد، آنها می گویند آسمان آباد

است (و نظم تدبیر بر آن حاکم است) و خداوند مدبر وجود دارد
ولی شما می گوئید آسمان بهم ریخته، و خداوند مدبر وجود
ندارد آیا سخن شما و آنها یکی است؟!

ابن ابی العوجاء گفت سخنان او را غنیمت دانسته گفتم پس اگر
آنچه خداپرستان می گویند حق است چه مانع شده که خدا بر
آفریده های خود ظاهر شده آنها را به بندگی خود فراخواند، تا دو
تن از آنها باهم اختلاف نکنند، چرا از آنها پوشیده است و
پیامبران بسوی آنها فرستاده؟

فرمود: وای بر تو چگونه از تو پوشیده است کسی که قدرتش را
به تو در نفس خودت نشان داده، پیدایش ترا بعد از آنکه نبودی،
بزرگی ترا بعد از خردی تو، نیرومندی ترا بعد از ناتوانی تو، و
ناخوشی تو را بعد از سلامت تو، و سلامت تو را بعد از ناخوشی
تو، و خشنودی تو را بعد از خشم تو، و خشم تو را بعد از
ناخوشی تو، و غمناکی تو را بعد از شادی تو، و شادی تو را بعد
از غمناکی تو، محبت تو را بعد از بغض تو، بغض تو را بعد از
محبت تو

، و تصمیم گیری تو را بعد از بی تصمیمی تو، و بی تصمیمی تو
را بعد از تصمیم تو، و اشتیاق تو را بعد از کراهت تو، و کراهت تو

را بعد از اشتیاق تو، و میل تو را بعد از بی میلی تو، و بی میلی
تو را بعد از میل تو، و امید تو را بعد از ناامیدی تو، و ناامیدی ترا
بعد از امیدواری تو، و یادآوری تو را بعد از فراموشی تو، و
فراموشی تو را بعد از آنکه در ذهنت حاضر بود .
بهمین ترتیب آنحضرت قدرت نمائی های خدا را در نفس من
همی شمرد، تا آنجا که گمان کردم خدا میان من و او ظاهر می
شود .

شرح حدیث

ملاصدرا در شرحش بر اصول کافی (که از اول کتاب فقط ۶۰۰
حدیث را شرح کرده) در شرح این حدیث چنین می گوید :
«الحالات النفسانية و الانفعالات القلبية التي عددها (ع)
مما ليست بقدرّة العبد و اختياره و لا يملك لنفسه شيئاً من
ذالك فيشتهى و ينظر كرهاً يرهب جبراً و يرجو ويبأس

اضطراباً و یصح و یمرض بظناً للمرض و یعیث و یموت ثناء

ام ابی لا یملك لنفسه نفعاً و لا ضرراً و لا موتاً و لا هیاتاً و

لا نشوراً بل قدیریدان یعلم فیجهرله و یریدان ینکر فینسی

و یرید ان ینسی الشیئی فیفعل عنه، فینکر، و لا یملك شیئاً

من ذالك .

(حالات نفسانی و انفعالات قلبی را که آنحضرت بر شمرده است، بقدرت و اختیار انسان نیست، چیزی را بی اختیار دوست می دارد و بی اختیار از چیزی بدش می آید، و بی اختیار امیدوار و ناامید می شود، با اینکه مرض را دوست ندارد مریض می شود، زندگی می کند و می میرد چه بخواهد و چه نخواهد، نفع و ضرر و مرگ و زندگی بدست خود او نیست)
همه اینها بقدرت پروردگار متعال و نشانه های اوست که پیاپی در نفس انسان تحقق می یابد .

برهان ششم خداشناسی: برهان نظم

قال الله تعالى :

ان فى اختلاف الليل و النهار و ما خلق الله فى السماوات و

الارض لآيات لقوم يتقون

سوره يونس / آيه ۶

همه ساختار جهان از نظم و قانون است و قوانین آفرینش تاروپود
آنها بهم یافته است .

سرتاسر موجودات جهان، از هستی و ذات و ذرات آنها گرفته تا
همه ترکیبات و تشکیلات و کیفیات و خصوصیات و حرکات و
سکنات آنها تابع قوانین بیشماری است که از ناحیه آفریدگار
جهان در آنها جریان دارد.

با يك مطالعه اجمالی در ظاهر موجودات جهان، بدون نیاز به
کنکاشهای علمی در درون آنها این نظم عجیب و پیروی از قوانین
خلقت را در می یابیم. شبها و روزها که پی در پی می گذرد تابع

نظم و قوانین ثابت و لایتغیر است. در هر سالی تعداد ساعات و دقایق، در هر کدام از شبها و روزهای سال، و هنگام طلوع و غروب آفتاب آن، با سالهای گذشته و آینده یکسان و برابر است. حیوانات از زمینی و هوایی و دریایی، هر کدام دارای نوعی است که شکل و حجم و خصوصیات معینی دارد. خصوصیات انواع هر کدام از چرندگان و پرندگان و حشرات و حیوانات آبی، تحت ضابطه و قوانین معینی است که هرگز از آنها تخلف ندارند. ما به آسانی قوانین و ضوابطی را که شکل و قد و سایر خصوصیات حتی غرایز هر کدام از انواع حیوانات را تعیین می کند درك می کنیم. این قوانین نسلا بعد نسل در آنها جاری است و نوع هر کدام از دیگران همچنان متمایز است، و از هر نوعی همان نوع خود به وجود می آید، و در نژاد هر کدام قوانین و ضوابط آن نوع ثابت است و در طول زمانها در آنها همان قوانین جریان دارد.

جامدات از انواع سنگ و خاک گرفته تا انواع فلزات و شبه فلزات، هر کدام از قوانین معینی بدون کوچکترین تخلف پیروی می کنند، هر کدام خواص و آثار و کیفیات معینی دارند که هر انسانی کم و

بیش به آنها آشناست اگر چه مشروح خواص فیزیکی و شیمیایی آنها در علوم فیزیک و شیمی تبیین شده است . نباتات و گیاهان، از درختان بزرگ تنومند گرفته تا علفهای ریزه همه تابع قوانین حاکم بر جمیع نباتات، و همچنین هر نوع گیاهی در خصوصیات ساق و برگ و میوه از قوانین حاکم بر آن نوع متابعت می کنند .

برگ هر کدام از انواع گیاهان و درختان شکل خاصی دارد که هرگز از آن شکل تخلف ندارد. میوه درختان، هر نوعی از آن ها در شکل و طعم و هسته و تخم و غیره. از قوانین خاصی متابعت می کند و هرگز از آن تخلف ندارد .

جهان کتاب الله تکوینی است

قرآن کریم سراسر جهان را آیات الهی می داند و در حقیقت عالم تکوین، کتاب معظمی است که مضمونش معرفة الله است، و هر قانون در موجودات آیه ای است از آیات این کتاب، قرآن در ۴۰ آیه موجودات جهان را آیه نامیده است .

این آیات دلالت دارند بر اینکه موجودات عالم آیات خدا است و مطالعه کتاب تکوینی موجب افزایش معرفت خدا است. علوم طبیعی ابزارهای ارزنده ای برای خداشناسی هستند. هر واحدی از واحدهای علمی در علوم طبیعی کشف از قانونی می کند که حکایت از قانونگذار آن دارد، و اکتشاف هر قانونی در طبیعت راه دیگری برای خداشناسی در پیش پای عقل قرار می دهد . هر قدر علوم طبیعی پیشرفت کند دریچه های خداشناسی بیشتر به روی بشر باز می شود که باید از این دریچه ها بسوی آفریدگار جهان نگریم. نه اینکه بهره های مادی آنها انسان را فریفته و به خود مشغول سازد، و از توجه به خدای بزرگ باز دارد، و کورکورانه از کنار آیات الهی گذشته و در ظلمات مادیت فرو رود و اصالت انسانی خود را ببازد. علوم پدیده بشر نیست بلکه بشر مانند مرغی است که دانه هائی از علوم را می چیند. حتی اختراع ها جز آشنا شدن با موجودات و خواص آنها نیست .

نظم در درون ذرات جهان

نظم که در منظومه شمسی هست و کره زمین و سائر سیارات بطور منظم بر دور خورشید می گردند، در درون ذرات جهان نیز

که آتم نامیده می شود وجود دارد. هر آتم منظومه ای است مانند منظومه شمسی که الکترونها در آن برگرد محور اتم بطور منظم دور می زنند .

همچنین سلولها که کوچکترین مواد ساختمانی بدن هستند و در بدن هر انسان بمقدار ده هزار برابر مردم کره زمین سلول وجود دارد، هر کدام يك فرد حیوان است که قوانین تغذیه و حرکت و احساس و توالد، در آن جریان دارد. مدتهاست که مطالعات دانشمندان درباره شناخت شگفتی های سلول ادامه دارد .

نظم دلیل قاطع. در بوجود آورنده آنست

اگر تعدادی دانه های تسبیح را پس از پاره شدن آن روی هم بریزند آیا ممکن است خود بخود همانند وضعیت اولی کنار هم چیده شوند؟ !

اگر يك ماشین آجر را روی هم بریزند، آیا امکان دارد اطاقی یا ساختمانی منظم و مجهز و طبق نقشه مهندسی بطور تصادف از آنها بوجود آید؟ !

اگر تعدادی رنگها کنار یکدیگر قرار گرفته باشند، آیا ممکن است بطور تصادف منظره زیبایی تنظیم شود؟!

اگر از مقداری پشم های رنگارنگ رویهم بریزند آیا ممکن است بطور تصادف قالی زیبا با نقشه منظم بافته شود؟!

باین ترتیب روشن است که مطالعه نظم موجود در سرتاسر جهان هستی چگونه ما را به شناخت خالق و صانع و آفریدگار جهان رهنمون می سازد.

برهان نظم. از دید ریاضی

از دیدگاه ریاضی اثبات وجود پروردگار جهان آفرین، از راه مطالعه نظم بکار رفته در موجودات جهان، با محاسبه احتمالات در ساختار يك ساختمان بتصادف روشن می گردد .

محاسبه احتمالات در ساختار يك ساختمان به تصادف

اگر آجری بر زمین گذاشته شود و آجر دیگری بطور تصادف روی آن قرار گیرد، احتمال اینکه در میان، شش سطح، که هر آجر دارد یکی از دو سطح بزرگ آن روی آجر اولی قرار گیرد، ۲۱ است و

احتمال اینکه آجر دوم بطور طولی روی طول آجر اول قرار گیرد نه بطور عرضی ۲۱ است، و احتمال اینکه طول و عرض آجر دوم موازی طول و عرض آجر اول بوده و به راست و چپ منحرف نباشد، اگر مجموع درجات انحراف به راست و چپ را ۴۵ درجه فرض کنیم، 451 است .

آن وقت چون عرض آجر، مثلا ۱۰ سانتی متر است، احتمال اینکه درست عرض آجر دوم روی آجر اول قرار گیرد و کنار آنها مطابق هم، يك سانتی متر و یا بیشتر از آن پس و پیش نباشد، ۱۰۱ است .

و چون درازای هر آجر، مثلا ۲۰ سانتیمتر است، احتمال اینکه درست طول آجر دوم روی طول آجر اول قرار گیرد، ۲۰۱ است . در نتیجه، احتمال قرار گرفتن آجر دوم درست روی آجر اول برای ساختن يك پایه مساوی است ب $540001 = 201 \times 101 \times 451$

۳۱

و احتمال قرار گرفتن سه آجر بر روی هم، به همان کیفیت،

مساوی است ب

$$2916000001 = 540001 \times 540001$$

و احتمال قرار گرفتن چهار آجر بر روی هم، به همان کیفیت،
مساوی است ب

$$1574640000000001 = 540001 \ 540001 \ 540001$$

یعنی، يك احتمال از بیشتر از صد و پنجاه میلیارد احتمال .
به این ترتیب عدد احتمالات در قرار گرفتن بیست دانه آجر روی
هم مساوی با عددی است دارای (سی و دو) رقم، که (پنجاه و
هفت) صفر در کنار آن باشد، که احتمال قرار گرفتن بیست دانه
آجر بطور مرتب بر روی همدیگر یکی از آنهاست .
برای اینکه بزرگی محیرالعقول این عدد را بفهمیم کافی است که
بدانیم: اگر خاک همه کره زمین (۱) (حتی زیر اقیانوسها) را تا
عمق سی هزار متر، به ذرات کوچکی که يك میلیون واحد آن در
يك میلیمتر مربع می گنجد تقسیم کنیم .
سپس هر يك از آن ذرات را بزرگی کره زمین فرض نموده، آنگاه
با يك تقسیم محیرالعقول دیگر هر يك از آنها را بتعداد ذرات کره
زمین تقسیم و تجزیه نمائیم، تعداد همه آنها نسبت به عدد
مذکور بقدری كوچك است که اگر (ده میلیارد ده میلیارد) بار
معادل آنها بر آن اضافه نمائیم تقریباً مساوی با عدد مذکور خواهد
بود .

حال تصور کنید ساختمانی که (۲۰ هزار) آجر در ساختار آن بکار
رفته حساب احتمالات به وجود آمدن آن بتصادف به کجا می

کشد؟!

اکنون نوبت آنست بیندیشم ساختمان جهان با عظمت، که یک
فرد انسان از آن از (۵۰ هزار میلیارد) سلول بطور منظم ساخته
شده چگونه ممکن است بتصادف به وجود آید؟!!!

1- کل مساحت کره زمین را (۵۱۰) میلیون کیلومتر مربع تعیین

کرده اند

برهان هفتم خداشناسی: برهان حکمت

قال الله تعالى :

نریرهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه

الحق، سوره فصلت / آیه ۵۲

فرق برهان نظم و برهان حکمت آن است که در برهان نظم سخن از قانون آفرینش است که همچون تار و پود در سراسر عالم جریان دارد .

نظم یعنی قانون، برهان حکمت جدا از برهان نظم است . حکمت یعنی این که هر کاری را برای هدف معین به موقع انجام دهد و هر چیزی را در موردی که شایسته آنست و برای تحقق هدف لزوم دارد بکار ببرد. حکیم به کسی می گویند که کارهای او بجا و بموقع است و کار بیهوده نمی کند. برهان حکمت تنها اثبات وجود صانع نمی کند، بلکه علاوه بر اثبات وجود صانع، علم و تدبیر او را هم اثبات می کند.

مثلا اگر ساختمانی را ببینیم که دارای ویژگیهای يك ساختمان فهمیم که ساختمان را مدبری کاملا مهندسی است می ساخته است برای تامین زندگی انسانها. در اثبات برهان حکمت کافی است که انسان ساختار بدن خود را مورد مطالعه قرار نظم هم کافی است. در «عوالی دهد، چنانچه در اثبات برهان الله اللئالی» روایت کرده است: مجاشع از پیامبر اکرم - صلی

علیه واله وسلم - پرسید، کیف الطریق الی معرفة الحق قال

«معرفة النفس»: صلی اله علیه واله

آری، معرفة النفس و خودشناسی بهترین راه خداشناسی است هر کس با اندکی تامل در ساختار که در اختیار همگان است، و متولد می بدن خود خدا را می شناسد، از وقتی که طفل از مادر شود طبق نیازهای او و سائل زندگی او را فراهم کرده، پستان شیر کرده و در آغوش او که کانون مهر و محبت است مادر را پر از در میان لبهای لطیف طفل برای طفل آماده کرده، تا سر پستان قرار گرفت با اندک فشار شیر به آرامی در دهن او می ریزد، می دانیم که اگر انسان چند روزی نخورد و نیاشامد می میرد ، آفریدگار مهربان از آن هنگام که طفل متولد می شود، و توان تهیه غذا و حتی تغذی از غذاهای مختلف را ندارد، در آغوش مادر با آفریدن پستان در سینه وی، و ایجاد شیر در آن همان وقت که مادر بچه دار می شود، برای طفل، غذا تهیه فرموده است. شیر به شهادت غذاشناسان بهترین غذا برای رشد طفل است که می تواند آن را با همه لطافت و ظرافت اعضای گوارشی خود هضم کند .

حکمت الهی را ببینید برای پستان نوکی لطیف آفریده که در دهن طفل جای گیرد، سوراخ های بسیار ریز در آن قرار داده، که با کمترین فشاری که لبهای لطیف طفل بر آن وارد آورد، شیر در دهن او جاری شود، اگر سر پستان سوراخ نداشت شیر از آن بیرون نمی آمد، و اگر سوراخهای آن، چنان ریز نبود در حال عادی شیر از پستان فرو می ریخت .

چه کسی به طفل نوزاد که هنوز هیچ چیز را تشخیص نمی دهد آموخت آنگاه که سرپستان در دهانش قرار می گیرد لبهای خود را حرکت دهد و آنرا بمکد؟ امیرالمومنین علی - علیه السلام - در نهج البلاغه (۱) به این حکمت خداوند جهان آفرین اشاره کرده و می گوید: «فمن هداك لاجتراء الفداء من ثدی املح»: چه

کسی تو را آموخت که غذا را از پستان مادر جذب کنی . تا مدتی که طفل جز با شیر نمی تواند تغذیه کند، در دهان او دندان نیست، آنگاه که توان تغذیه از غذاهای مختلف یافت در دهان او دندان می روید. دندانها در دو ردیف بالا و پایین در برابر هم قرار دارد تا غذا در میان آنها با فشار فك پایین بریده و جویده شود. فك بالا به محکم ترین استخوانهای بدن، یعنی استخوان

جمجمه کوبیده شده وثابت است. غذا با حرکت فك پایین و فشار آن به فك بالا در میان دندانها خرد شده و جویده می شود . دندانهای جلوی که در مدخل دهان قرار گرفته تیز آفریده شده، تا لقمه را ببرد، ولی دندانهای عقبی، پهن و ناصاف است تامانند آسیاب، غذا در میان آنها خرد شده و قابل هضم شود. زبان، مامور گرداندن غذا در دهان و قرار دادن آن در میان دندانهاست، آنگاه که خرد شده و آماده هضم گردید، آن را از گوشه و کنار دهان جمع و گلوله نموده و از گلو پایین

1- نهج البلاغه خطبه ۱۶۲

می فرستد .

اگر انسان ۲۴ ساعت گرسنه بماند همه اعضاء بدنش احساس ضعف می کند، و پس از خوردن غذا بسرعت تمام اعضاء احساس قوت می کند، چه ریزه کاری ها بکار رفته که اثر يك لقمه غذا در سرتاسر بدن بسرعت ظاهر می شود . آیا جز دست حکمت حکیم می تواند این چنین ظرافتها را تنظیم کند؟! غذا جوهرش مصرف بدن می شود و موادّ زائده از بدن دفع می گردد، اگر انسان گرسنگی را متوجه نمی شد چه خطر

بزرگی پیش می‌آمد، به همین سادگی هر انسان می‌تواند در ساختار بدن خود بیندیشد و از این راه خدای خود را بشناسد.

مطالعات خدشناسی در ساختار بدن انسان با اکتشافات علمی

مطالعه اکتشافات علمی در ساختار بدن انسان، هر چه بیشتر ما را با حکمت آفرینش ریزکاری‌های حیرت‌آور بدن انسان، آشنا می‌سازد. اینک ما نمونه‌ای از آنها را بطور فشرده اینجا ذکر می‌کنیم.

برخی از آیات الهی در دستگاه گوارش

الذی خلقنی فهو یرهدین، والذی هو یطمینی و یسقین» (۱)

از آیات بینات الهیه و نشانه‌های روشن پروردگار در انسان، همانند همه حیوانات، دستگاه دریافت رزق و بدل ما تحلیل است، که از راه دهن وارد بدن انسان و حیوان شده و پس از

طی يك سلسله مراحل اعجاب انگیز، در نهایت، رزق الهی به کلیه سلولهای بدن می رسد .

یکی از دانشمندان می گوید: (۲) تا به حال هزاران کتاب درباره هاضمه و طرز کار دستگاه گوارش نوشته شده ولی هر سال کشفیات جدیدی در این زمینه می شود و آنقدر مطالب تازه در این باره نوشته می شود که موضوع همیشه تازگی دارد، اگر ما جهاز هاضمه را به يك آزمایشگاه شیمیائی تشبیه کنیم، و مواد غذایی را که به درون آن می رود، مواد خام

1-سوره شعراء/ ۷۹

2-راز آفرینش، کورسی موریس، ترجمه محمد سعیدی

این آزمایشگاه بدانیم، آن وقت حیرت می کنیم که عمل هضم تا چه اندازه کامل است، که هر چیز خوردنی را هضم می کند و تحلیل می برد .

معدده غذاهای گوناگونی که در آن می ریزد، موادی را که مفید تشخیص بدهد انتخاب نموده با مواد شیمیائی که خود تولید کرده است مخلوط، و مواد زاید آن را دفع، و بقیه را به انواع گوناگون تقسیم و به مصرف ترمیم گوشت، پوست، استخوان،

مو، خون و رگ و غیره می رساند، و میلیاردها سلول که در بدن انسان زندگی می کنند از آن تغذیه می شوند .

بخش های مختلف دستگاه گوارش

ما در این جا چند مرحله از دستگاه گوارش را مورد بررسی قرار می دهیم :

گوارش در دهان: دندانهای جلو برای پاره کرده، و دندانهای عقبی برای آسیا کردن طرح شده اند، نیروی عضلانی که برای این منظور به کار می رود بسیار زیاد است، مثلا دندانهای پیشین ممکن است نیرویی برابر با ۳۴ کیلوگرم ایجاد کنند و دندانهای آسیا می توانند يك نیروی خرد کننده به میزان ۴۲ تا ۱۰۰ کیلوگرم تولید کنند .

بزاق (آب دهان): پیدایش تغییر در ساختمان شیمیایی غذا از دهان شروع می شود، «بزاق» اولین شیره گوارش است که ترکیب غذا را تغییر می دهد، زیرا در آن ماده ای وجود دارد «پیتالین» نشاسته را تجزیه کرده و به قند تبدیل می کند . بزاق از منبع ۳ جفت غده های بزاقی ترشح می شود :

- 1 غده های زیربانی

- 2 غده های بناگوش

- 3 غده های زیر فکی

ترشح بزاق دائمی است، و در حال عادی هم کمی بزاق ترشح می شود، فایده ترشح دائمی بزاق، مرطوب و پاک و لغزنده نگهداشتن زبان و گونه هاست، بطوری که تماس آنها با دندانها موقع سخن گفتن موجب زخم شدن آنها نمی شود. مقدار ترشح در حال جویدن و بلعیدن افزایش می یابد. بلع: عمل بلع به سه مرحله تقسیم می شود: مرحله اول جمع کردن گلوله غذایی بر روی زبان، سپس با يك بالا رفتن ناگهانی زبان، لقمه غذایی را به داخل حلق پرتاب می کند .

مرحله دوم عبور لقمه غذایی از حلق، همین که غذا به حلق رسید مجرای بینی توسط بالا رفتن زبان كوچك كه به انتهای سقف دهان چسبیده بسته می شود، انقباض ماهیچه هائی كه در اطراف حنجره قرار دارند ناحیه طنابهای صوتی را تنگ کرده، و مانع ورود غذا به ششها می شود، لقمه غذایی توسط عضلات تنگ کننده حلق، گرفته شده و به طرف مری رانده می شود .

مرحله سوم عبور ماده غذایی از مری است، عضلات قسمت فوقانی مری انسان حلقوی شکل است، ولی عضلات قسمت تحتانی آن صاف است، مری با يك سری حرکت دودی تولید امواج می کند، هر موج حرکت دودی ۵ تا ۶ ثانیه طول می کشد، نیروی جاذبه نیز يك عامل مهم است که به حرکت غذا در مری به طرف معده كمك می کند .

مری هم مانند دهان و قسمت های دیگر لوله گوارش از غشای مخاطی پوشیده است. مخاط لغزنده مری این عضو را از خراشی که ممکن است ذرات سفت موجود در لقمه روی دیواره مری وارد می سازد، نگه می دارد(۱).

معده: معده عضو اسرارآمیز و عجیبی است. معده توقفگاهی است در سر راه عبور مواد غذایی از دستگاه گوارش، به منظور تجزیه و ترکیب و قابل جذب شدن مواد غذایی، در مدتی که غذا در معده می باشد دیواره معده انقباضات دودی می کند، قسمت عمده دیواره کلفت معده از طبقات ماهیچه ای درست شده که انقباضات نیرومند آنها به شکل حرکات دودی آشکار می شود، به علت انقباض عضلات دو انتهای معده بسته می شود، غذا از يك تا دو ساعت در این کیسه باقی می ماند(۲).

سطح داخلی معده را غشایی «مخاطی» می پوشاند که در آن تعداد بسیاری بالغ بر «35000000» غده کوچک، مخصوص ترشح شیره معده است، شیره معده بسیار اسیدی است(۳). در معده اسیدی آنقدر سوزان وجود دارد که اگر روی دست شما ریخته شود

1- فیزیولوژی انسان: ترجمه گروه فیزیولوژی دانشگاه تهران،
صفحه ۳۳۹-۳۴۱ .

2- بدن انسان، ترجمه دکتر ا. شکی، صفحه ۷۳ .

3- تن آدمی، ترجمه دکتر بهزاد، صفحه ۲۶۵-۲۷۱

ایجاد تاول می کند. همچنین ماده محافظی در معده وجود دارد که هیچ ماده ای نمی تواند از آن گذشته و به جدار معده آسیب برساند. در دیواره معده غده های گوناگون وجود دارد که از هر کدام ماده مخصوصی ترشح می شود که در تجزیه و تحلیل نوعی از مواد غذایی موثر است، مثلا برخی از غده ها ماده ای ترشح می کنند که عامل تجزیه «پروتئین» است .

برخی از غده ها ماده ای ترشح می کنند که شیر را تبدیل به ماست می کند برخی از غده ها ماده ای ترشح می کنند که برای تجزیه چربی ها به کار می رود، برخی از غده ها ماده ای

ترشح می کنند که روی انواع ویتامینها اثر کرده و سبب می شود که آن ویتامین جذب و در جگر ذخیره شود. (۱)

هنگامی که غذا در معده هست «اسفنگریپلور» بسته است، تا وقتی که قسمت عمده محتویات معده به صورت آبگون درآید تدریجاً اثر هضم معدی کم می شود و ترشح شیره معده کاهش می یابد و غذا کاملاً آبگون می شود؛ این آبگون به «کیموس معدی» موسوم است، کیموس پس از معده وارد روده ها می شود (۲).

هر سه یا چهار ساعت یکبار معده بی اختیار شروع به انقباض می کند؛ و همین انقباضهای بی اراده است که به عنوان درد گرسنگی شناخته می شود .

جگر (کبد): جگر مهمترین کارخانه شیمیایی بدن است، هر ماده ای که وارد بدن شود، ولی نتواند تجزیه شده و انرژی آزاد کند یا جزء بدن گردد، برای «دفع سمیت» به جگر می رود، کاری که جگر می کند این است که مواد شیمیایی به آنها می افزاید و آنها را محلول می سازد تا بتواند به سرعت از ادرار دفع شود (۳).

امروزه بیش از پانصد عمل و وظیفه عجیب برای جگر شناخته اند، و هنوز باید گفت صورت ریز این وظایف به درستی تشریح نگردیده، و پرونده آنها بسته نشده است(۴).
جگر هزاران فعالیت استحفاظی دارد، مواد مضر را با مواد دیگر می آمیزد و ترکیبات غیرمضره درست می کند؛ بعضی عناصر را که برای بدن زیانبخش می باشد فوراً معدوم می سازد، عده ای دیگر از عناصر مضر را در خود نگاه داشته به مرور و بمقداری که قابل تحمل است پس می دهد .

1- اقتباس از کتاب بدن انسان ترجمه دکتر ا. شکی صفحه ۷۴-

. ۷۶

2- تن آدمی ترجمه دکتر بهزاد، صفحه ۲۶۵-۲۷۱

3- تن آدمی ترجمه دکتر بهزاد، صفحه ۲۶۵-۲۷۱

4- مقاله مجله دانشمند، سال ۴، شماره ۱۲ و مقاله دکتر

شکاور، مجله دانشمند سال ۱، شماره ۷ .

برخی دیگر از فواید کبد :

1- هر گاه از پلکانی بالا بروید عضلات شما احتیاج به يك ماده سوختنی دارند که بتوانند به انرژی تغییر شکل دهند، در این موقع بلافاصله «کبد» میانجیگری می کند، قسمتی از ذخیره روزانه

کلیکوژن نشاسته حیوانی را با گلوکز که غذای عضلات است مبادله کرده و آن را درون خون سرازیر می کند .

- 2 کبد انسان در هر ثانیه می باید خود را از چنگ ده میلیون گلبول قرمز نجات دهد، سیزر آنها را فاسد کرده و پس از آن با تلاش خستگی ناپذیر، ترکیبات آنها را تعمیر و اصلاح کند تا در ساختن سلولهای تازه خون به کار آیند .

- 3 اگر خراش و بریدگی ساده ای در انگشت شما ایجاد شد و بیم آن می رود که قوای شما در معرض تحلیل قرار گیرد، اگر کبد وجود نداشته باشد تا ماده ای به نام پروتئین ایجاد کند که موجب انعقاد خون گردد این بریدگی، زندگی تان را مورد مخاطره قرار می دهد .

روده: غذا پس از آن که با تغییرات فیزیکی و شیمیایی از معده به صورت «کیموس» درآمده وارد روده می شود .

سطح داخلی تمام روده را مانند حوله، برجستگیهای بیشماری می پوشاند، این برجستگیها به «پرز» معروفند. وجود این برجستگی ها، سطح داخلی روده را بسیار زیاد می کند و عمل جذب را آسان می سازد؛ گذشته از این، برجستگیها به علت

حرکت دائمی که دارند مایع موجود در مجاورت آنها زده می شود، و در تسریع عمل هضم مؤثر است .

در پای هر يك از برجستگیهای روده گروهی سلول وجود دارد که شیره معده ترشح می کنند که هضم مواد را پایان می دهد .

مواد قابل هضم از دیواره روده می گذرند، روده ها در کیسه ای که دو لایه است « صفاق » نامیده می شود قرار گرفته است که آنها را از عفونت محفوظ می دارد. اگر روده در میان صفاق که پرده ای ظریف و مرطوب و صاف است قرار نمی گرفت حرکات آن در حفره شکم غیر ممکن می گشت (۱) .

1- بدن انسان، ترجمه دکتر ا. شکی ص

78

برخی از آیات الهی در دستگاه نفس

هدف دستگاه تنفس رساندن هوای تازه به حبابچه ها، برای انتقال اکسیژن آن به خون از يك طرف، و خارج کردن هوای اکسیژن گرفته شده، از طرف دیگر است .

ساختمان ریه: ریه مانند اسفنج دارای خانه های ذره بینی که تعداد آنها را در دو ریه يك فرد انسان ششصد میلیون عدد تخمین می زنند. اگر سطح دیواره خانه های مذکور پهن در کنار هم گسترده شود برابر ۲۰۰ متر مربع، یعنی ۲۵ برابر سطح پوست بدن می شود(۱).

هر يك از این خانه ها یا حبابهای تنفس، شبکه ای از مویرگها به شکل تار عنکبوت دارد. این شبکه آنقدر ریز و ظریف است که سلولهای قرمز خون از خلال آن تك تك می گذرند. از خلال دیواره لطیف این ساختمانهاست که خون «اینو درید کربنیک» زاید را پس داده «اکسیژن» تازه را دریافت می دارد، در هر چند دقیقه تمام ذخیره خون بدن باید از خلال این شبکه خونی ذره بینی بگذرد. بطور که در يك سمت این شبکه خون به رنگ سیاه مایل به آبی و تیره و در سمت دیگر خون به رنگ آلبالویی روشن وجود دارد(۲).

این عضو لطیف اسفنجی در هر شبانه روز در حدود ۲۸۰۰۰ مرتبه باز و بسته می شود، و سالیانه در حدود چهار هزار تن خون را تصفیه کرده و از خود عبور می دهد(۳).

برخی از آیات الهی در خون ابراه غذارسانی به سرتاسر بدن

خون اکسیژن جذب شده را به سلولهای بدن می رساند، برای این که بخشهای دور، بدون اکسیژن نمانند؛ باید خون از مایع راکد بودن به مایع جاری بودن تبدیل شود مرتباً اکسیژن را به سلولها برساند .

خون اکسیژن را از ریه ها به بافت ها حمل کرده و «انیدرید کرینک» را از بافت ها به ریه ها می آورد تا از آنجا دفع گردد . خون همچنین مواد غذایی را از روده به تمام قسمت های بدن حمل کرده و فضولات

1-تن آدمی، ترجمه دکتر محمود بهزاد، ص ۱۷۳

2-مقاله دکتر صاجیع مجله دانشمند سال دوم شماره ۱

3-خداشناسی و افکار روز

آنها را به کلیه می برد تا از آنجا به خارج دفع گردد . خون گرمای تولید شده در عضلات فعال را در سراسر بدن توزیع می کند، و به این ترتیب به تنظیم درجه حرارت بدن کمک می کند .

خون ترشحات داخلی را از غددی که در آنها تولید می شوند به بافت هایی که بر آنها عمل می کنند انتقال می دهد .

خون يك نقش حیاتی در نگهداری تعادل آب و املاح بازی می کند.

خون با مصونیت در برابر امراض و نیز با حفظ بدن در برابر باکتریهای مهاجم مربوط است .

مأموران پخش ارزاق در بدن: در خون هر انسان، میلیاردها موجود جاندار که گلبول قرمز نامیده می شوند زندگی می کنند، این جانداران مأموریت دارند که مواد حیاتی (آب، غذا، هوا) را میان پنجاه هزار میلیارد سکنه کشور تن تقسیم و تحویل نمایند و مواد دفعی آنان را جمع و توسط ریه به بیرون کشور گسیل دارند(۱)) در هر ثانیه قریب ۳ میلیون از گلبولهای قرمز شما می میرند و ۳ میلیون گلبول قرمز در هر ثانیه به وجود می آیند . تمام گلبولهای بدن در ظرف ۳ ماه عوض می شوند، تولد و مرگ بر آنها حکومت دارد .

مأموران دفاع از کشور تن: در خون هر فرد انسانی علاوه بر گلبولهای قرمز، جانداران زیادی نیز بنام گلبول سفید زندگی می کنند که مأموران دفاع، یا ارتش کشور تن را تشکیل می دهند .

تعداد گلبولهای سفید همواره در خود بین ۵ هزار تا ۹ هزار در هر میلیمتر مکعب است (۲) ولی بطور ثابت در همه خون همواره «هفتاد و پنج میلیارد» گلبول سفید وجود دارد. (۳)

گلبولهای سفید در حکم «گروه حمله» بدنند و قادرند باکتریها و سایر ذرات خارجی را در میان گرفته هضم کنند. هجوم میکروبها به هر نقطه از بدن باعث می شود که گلبولهای

1- فیزیولوژی انسان، ترجمه کرده فیزیولوژی دانشگاه تهران ص

۲۱۵-۲۲۷

2- اقتباس از کتاب فیزیولوژی، ترجمه گروه فیزیولوژی دانشگاه

تهران ص ۲۱۵-۲۱۷

3- تن آدمی، ترجمه دکتر بهزاد ص ۲۳۹

سفید مجاور وارد عمل شوند. گلبولهای سفید همواره با جریان خون به نقطه ورود میکروبها می رسند، و از مویرگها خارج شده وارد بافتها می شوند و باکتریها را در میان گرفته و از بین می برند .

حجم خون و میزان مواد مختلفه آن به وسیله فعالیت کلیه ها که برای دفع مایع از خون و عمل آبگیری انجام می گیرد همیشه ثابت است .

در هر دقیقه تقریباً ۱۲۰۰ سانتی متر مکعب خون از کلیه عبور می کند، از دو کلیه که نیم کیلو وزن دارند در مدت معینی به همان اندازه خون عبور می کند که از ۵۰ کیلو ماهیچه خون می گذرد .

کلیه آدمی به رنگ جگر است و در حدود ۱۰ تا ۱۲/۵ سانتی متر طول، و ۵ تا ۷/۵ سانتی متر عرض، و ۲/۵ تا ۵ سانتی متر ضخامت دارد، و وزنش در حدود ۲۵۰ گرم است و به شکل لوبیاست .

خون در کلیه، در مجاورت صافی وسیعی قرار می گیرد، پس از عبور از صافی مقداری از آن تبدیل به ادرار و دفع می شود و بقیه دوباره جذب می گردد .

صافی کلیه، لوله های نازک میان تهی هستند که تعداد آنها در هر کلیه بین (یک میلیون، و یک و نیم میلیون) تخمین زده شده، که خون از داخل آنها گذشته و تصفیه می شود بطور کلی در هر دقیقه قریب ۱۲۰ سانتی متر مکعب مایع از دانه های

«مالپیگی» تراوش می شود که در یک روز به قریب ۷ لیتر می رسد، ولی ۹۹ درصد این مقدار مجدداً در لوله پیچ و خم و لوله هتله جذب می شود و به خون باز می گردد(۱).

برخی از آیات الهی در قلب

همانطور که بیان شد خون آبراهی است که توسط آن اکسیژن لازم و مواد غذایی به سرتاسر اجزاء بدن می رسد .
گردش خون در رگها و مویرگهای سرتاسر بدن نیاز به عامل محرك و پمپاژ دارد، قلب در بدن انسان و سایر حیوانات این وظیفه را بعهده دارد .

1- کتاب «تن آدمی» ترجمه دکتر بهزاد ص ۲۰۲

قلب از اول عمر انسان یا هر حیوان دیگر تا آخر عمر آن بدون کوچکتری وقفه و کمترین تعطیل و استراحت فعالیت می کند؛
اگر شخصی ۵۰ سال عمر متوسط داشته باشد این تلمبه (قلبش) حدود «دو میلیارد بار» کار می کند، و مقدار خونی که بیرون می ریزد» سیصد هزار تن» است و این از عجایب خلقت و از اسرار دستگاه آفرینش است .

کاری که قلب در هر دقیقه انجام می دهد، معادل کاری است که برای بلند کردن وزنه ای ۳۵ کیلوگرمی به اندازه ۳۰ سانتی متر از سطح زمین انجام می گیرد .

این مقدار قریب دو برابر انرژی است که ماهیچه های قوی بازو یا پا می تواند تولید کند ولی قلب چنین کاری را بطور نامحدود انجام میدهد، و حال آنکه ماهیچه های دست و پا کمتر از این کار انجام میدهند ولی به سرعت خسته می شوند .

قدرت غیرعادی ماهیچه قلب؛ و این که می تواند کار سخت انجام دهد و خسته نشود این عضو را مورد توجه فراوان فیزیولوژیستها قرار داده است(۱))

در سرعت نیز کار قلب بی سابقه و حیرت انگیز است، جریان خونکه از قلب شروع می شود 7500 کیلومتر راه (یعنی مسافت بین تهران - نیویورک) را فقط در مدت يك ساعت در عروق و شرائین می پیماید .

به موجب محاسبه متخصصین، مقدار حجم خونی که ظرف يك سال بوسیله قلب تلمبه زده می شود قریب ۲۶۰۰۰۰۰ لیتر است که برای حمل آن دست کم ۸۱ تانکر لازم است(۲) تعداد ضربان قلب، نسبت معکوس با جثه حیوان دارد؛ مثلا تعداد ضربان قلب برای يك فیل در حدود ۲۰ بار در دقیقه است، و برای يك خرگوش ۱۵۰ بار و برای يك موش ممکن است ۷۰۰ بار در دقیقه باشد .

هر چه حیوان کوچکتر باشد زندگی سریعتری دارد، ضربانهای قلبش سریعتر، و حرکات تنفسش تندتر، و حرکتش به تناسب جثه سریعتر است .

از این رو طول عمر را اگر به جای محاسبه تعداد سالها، از روی تعداد ضربانهای قلب به حساب آورند چیز ثابتی خواهد شد .
با این حساب پشه که قلبش در هر دقیقه ۱۰۰۰ بار می زند با فیل که قلبش ۲۰ بار در

1-تن آدمی، ترجمه دکتر بهزاد ص ۲۰۰

2-مجله تهران مصور شماره ۱۱۰۱

دقیقه می زند قابل مقایسه خواهد بود، زیرا ضربانهای قلب پشه در يك روز معادل ضربانهای قلب ۷ هفته فیل است. در واقع عموم پستانداران به آن اندازه عمر می کنند که قلبشان در حدود يك میلیارد بار می زند(۱)

بدن يك انسان متوسط القامه قریب ۵۰ تریلیون سلول دارد و حال آنکه بدن يك فیل بزرگ ۶۵۰۰ کاتریلیون سلول دارد .

يك پشه كوچك بیش از هفت میلیارد سلول ندارد(۲) .

ساختمان قلب: قلب دارای چهار حفره است که دو تا از آنها (دهلیزها) خون را دریافت کرده و دو تا از آنها (بطنها) خون را بیرون می رانند .

دهلیز راست خون را از بدن و دهلیز چپ خون را از ریه ها دریافت می دارند. بطن راست خونی را که به ریه ها می رود از خود خارج می کنند و بطن چپ خونی را که به بدن می رود، تنها عمل قلب پمپ زدن خون است.(۲)

برخی از آیات الهی در دستگاه های ادراک

بینائی: دیده دریاچه ای است برای انسان که بر روی جهان گشوده شده، وسیله ای است برای دیدن مناظر نزدیک و دور تا آنجا که نیروی دید بتواند نفوذ کند. اعضای دیگر انسان تنها آنچه را که با آن لمس دارند درك می کنند، و ادراك آنها از موجودات جهان تنها به اندازه حجم بدن بوده و ویژه سطح ملموس جسم یا اجسامی است که بدن را احاطه کرده است .

چشم یا مرکز بینایی در سر؛ یعنی بلندترین جایگاه بدن قرار داده شده تا دید آن احاطه بیشتر داشته و مناظر بیشتری در برابر آن قرار گیرد چشم به ترتیبی که گفته شد ارزشمندترین عضو

خارجی انسان یا هر حیوان دیگری است که در میان محفظه استخوان جمجمه و در داخل گودی استخوان محکم سر قرار گرفته که آن را از آسیب ضربه ها حفاظت می کند و هر گاه ضربه سختی بر سر وارد بشود کره چشم چون در میان لایه ای از

« 1- تن آدمی» ترجمه دکتر بهزاد، ص ۲۸۰-۲۸۴

« 2- تن آدمی» ترجمه دکتر بهزاد، ص ۲۸۴

3- اقتباس از «فیزیولوژی انسان» ص ۲۵۱-۲۶۸

چربی فرو رفته در تماس با استخوان سر صدمه نمی بیند. کره چشم غالباً در حال حرکت است. حرکات چرخشی چشم توسط شش ماهیچه مختلف انجام می گیرد. اعصاب این ماهیچه ها فرمان حرکت را از سومین و چهارمین و ششمین اعصاب جمجمه ای دریافت می دارند .

هماهنگی و تطابق ماهیچه های دو چشم با همدیگر چنان کامل و دقیق است که روی نقطه بسیار کوچکی، دید هر دو چشم با هم قرار می گیرد و در تمام چرخشهای دو چشم، هیچ گاه دو بینی اتفاق نمی افتد چشم تنها عضوی است که بافت آن

همانند بلور، حاکی ماورای آن است که برای عملکرد آن اهمیت فراوان دارد .

در چشم انسان ۷ پرده موجود است، یکی از آنها پرده شبکیه است که عکس و شبیح اشیاء در آن منعکس می شود .
در ساختمان این پرده شش هزار سنگریزه مخروطی شکل آلی به کار رفته، و سی و شش هزار سنگریزه استوانه ای شکل سطح آن را مفروش نموده است. ظرافت بی مانند و لطافت حیرت انگیز این پرده و تغذیه مستمر و سایر اسرار آن بر شگفتی ساختمان آن می افزاید .

عدد امواج طیف رنگ قرمز نور، که در هر ثانیه در چشم داخل می شود، چهار صد و پنجاه و هشت هزار میلیارد است و عدد امواج رنگ بنفش که در هر ثانیه وارد چشم می شود هفتصد و بیست و هفت هزار میلیارد می باشد .

چشم يك ميليون خط تلفنی مستقل در عصب بینایی دارد که به مغز می پیوندد(۱))

هماهنگی نظامهای پیچیده چشم: تمام تشکیلات عجیب بینایی از مردمك چشم گرفته تا پرده های مختلف آن; مخروط ها، اعصاب بینایی و عضلات حرکات چشم همه باید در آن واحد موجود

باشند، زیرا اگر یکی از این نظام‌های پیچیده ناقص باشد بینایی چشم غیرمقدور خواهد بود .

با این وصف آیا می شود تصور کرد همه این عوامل خود به خود جمع آمده و هر يك از آنها وضع نور را طوری تنظیم کرده است که با عوامل دیگر هماهنگ بوده و نیازهای دید را رفع کند؟ !

۱- برنهارد کاتس در مقاله جریان عصبی

۲-

شنوائی

پرده گوش مجرای آن را کاملاً مسدود کرده است، امواج صوتی که به این پرده برخورد می کند ارتعاشاتی به وجود می آورند که در پایان کار، درون مغز به عنوان صوت تعبیر می شوند .

در گوش میانی که بلافاصله بعد از پرده گوش شروع می شود سه استخوان ظریف و کوچک مانند زنجیر به دنبال یکدیگر قرار دارند که ارتعاشات را به پرده دريچه بیضی شکل واقع بین گوش میانی و حفره های گوش داخلی انتقال می دهند .

تعداد واحدهای عصبی که در شکاف لوله های پیچاپیچ حلقه حلزونی شکل گوش وجود دارد، بظاهر شش هزار (۶۰۰۰) عدد

است، ولی از چه مقدار «نورون» تشکیل شده، خدا می داند .
این قدر هست که هر شخص معمولی سی و چهار هزار
(۳۴۰۰۰) نوع آهنگ را می تواند تشخیص بدهد، و تشخیص هر
نوع آهنگ به گیرنده و عصب خاصی نیازمند است(۱)

ذائقه

تعداد حفره های ریز که در سطح زبان قرار دارد و هر کدام
بوسیله يك رشته عصب با مغز ارتباط دارد، حدود سه
هزار(۳۰۰۰) حفره است که ذرات طعم دار در داخل حفره، مانند
پریز در محل اتصال برق جای گرفته، جریان الکتریکی دایر و
عکس العمل آنها به مغز مخابره می گردد، و مغز مزه طعم
خوراك را از مزه های چهارگانه و مزه های ترکیبی و سایر مزه
های گوناگون می فهمد. حسّ چشیدن مزه میان اعضای بدن
تنها در زبان قرار داده شده تا هنگام خوردن، انسان مزه خوردنی
و نوشیدنی را حس کند، و از خوردن لذت ببرد، و از خوردن
غذاهای نامطبوع اجتناب کند .

1-خداشناسی و افکار روز

شامه

ساختمان و طرز کار دستگاه دریافت بو همانند جوانه های چشایی زبان است، که دارای نوکهای موئینه است که در سطح داخلی بینی پراکنده اند (۱).
تعداد سلولهای گیرنده بو در حدود دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) تا چهار میلیون (۴۰۰۰۰۰۰) است (۲).
هر سری از گیرنده های بو، ویژه نوعی از بوهاست.
گروهی از شیمستها حدود سی هزار (۳۰۰۰۰) نوع بو را تعیین کرده اند.

دقت گیرنده های بو باندازه ای است که وجود بوئی و
۱۰۰۰۰۰۰ که در هوا پخش شده باشد درک می کند (۳)

لامسه

پوست بدن عامل نیروی لامسه است.
شبکه ای از اعصاب پیچیده پیامهایی را از سطح پوست اخذ و به مغز مخابره می کنند. گیرنده های مختلفی ما را در جریان احساسهای گوناگونی می گذارند؛ بعضی از آنها احساس فشار عده ای احساس درد و پاره ای دیگر عامل احساس سرما و گرما

می باشد همچنین اعصاب دیگری فرمان مغز را به پوست منتقل می کنند .

ساختمان پوست: پوست دارای پیچیده ترین مکانیزم علمی و فنی است که تاکنون شناخته شده است.(۴) نظر به این که بافتهای زنده بدن هیچ گاه سکون و آرامش ندارند، باید سلولها دارای يك مقدار معین رطوبت باشند بدن چون در مجاورت هوا قرار دارد، پوست و پوشش بدن سدی است که مانع از بخار شدن رطوبت بدن می گردد.(۵)

تاکنون هیچ کس نتوانسته پوستی مانند پوست بدن انسان که آب در آن نفوذ ندارد اختراع کند، پوست بدن دارای هزاران سوراخ است، با این وصف طوری ساخته شده است که هر گاه شخصی صدها ساعت در آب بماند آب از سوراخهای پوست داخل

- 1- بدن انسان، ترجمه دکتر ا. شکی، ۲۲۵
- 2- مجله دانشمند، سال چهارم، شماره ۱۱ .
- 3- مجله دانشمند، سال چهارم، شماره ۱۱
- 4- مجله دانشمند سال ۷، شماره ۹ .

5-اقتباس از کتاب «بدن انسان»، دکتر سپرول، ترجمه دکتر ا. شکی .

نخواهد شد(۱))

غده های تولید عرق: غدد تولید عرق در تمام سطح پوست، غیر از لبها، گسترش یافته اند، تعداد آنها کلا به ۲ میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) می رسد. در کف دست و پاها این غده ها خیلی نزدیک هم قرار دارند. هر غده عبارت از يك لوله ساده پیچاپیچ می باشد و به وسیله رگهای خونی پیچ در پیچ احاطه شده است(۲)

نتیجه فعالیت دستگاه ترشح عرق بدن آن است که گرمای بدن همواره به صورت ثابتی در حدود ۳۷ تا ۳۸ درجه باقی می ماند.(۳)

برخی از آیات الهی در دستگاه اعصاب (یا سازمان مخابراتی بدن)

در شبانه روز میلیونها پیغام توسط دستگاههای اعصاب از نقاط مختلف بدن به مغز و بالعکس مخابره می شود. سیستم ارتباط

تلفن و تلگراف و رادیو و تلویزیون به اهمیت سیستم ارتباطی بدن انسان نیستند .

سلسله اعصاب دارای تجهیزات قوی انتقال دهنده و گیرنده های حساس و خطوط رابط میان نقاط دور بدن و مرکز برای مبادله است که پیامها را جور و هماهنگ می سازد و آنها را با سرعت و امانت به همه نقاط بدن می رساند. این انتقال غالباً در مدتی کمتر از يك ثانيه انجام می گیرد .

تعداد خطوط رابط بین نقاط مختلف بدن با مغز بی شمار است؛ مثلاً تنها جسم «يك میلیون» خط تلفنی مستقل در عصب بینایی دارد

دستگاه عصبی به دو دسته تقسیم می شود :

1- دستگاه عصبی خودکار

2- دستگاه عصبی جسمی .

عمل دستگاه عصبی خودکار در مورد کارهای غیر ارادی بدن، مانند ضربان قلب و

1-مجله دانشمند، سال ۱، شماره ۵ .

2-مجله دانشمند، سال ۷، شماره ۹ .

3-تن آدمی، ترجمه دکتر بهزاد، ص ۳۷۶

گوارش و هضم و تنفس و غیره می باشد و عمل دستگاه عصبی جسمی برقرار کردن رابطه بدن با دنیای خارج است .
محسوسات انسان از خارج از بدن که توسط حواس پنجگانه دریافت می شود توسط سلسله های اعصاب به مغز مخابره می شود .

هر کدام از حواس پنجگانه دارای رشته های مخصوص عصبی هستند که مخصوص مخابره آن نوع از محسوسات است که توسط آن حس ادراک می شود .

دستگاه عصبی خودکار به دو دسته تقسیم می شود :

- 1 اعصاب سمپاتیک

- 2 اعصاب پاراسمپاتیک .

عمل این دو نوع اعصاب در جهت مخالف یکدیگر است؛ مثلاً تحریک اعصاب سمپاتیک قلب باعث سرعت ضربان قلب می شود، در صورتی که تحریک عصب پاراسمپاتیک ضربان آن را کند می کند(۱))

برخی از آیات الهی در مغز (مرکز فرماندهی بدن)

نیروی مغز: دانشمندان شگفت انگیزترین ماشین را دستگاه مغز آدمی می دانند .

اگر قرار باشد يك دستگاه الکترونیکی کارهای مغز انسان را انجام دهد بزرگی آن به اندازه عمارت «امپایراستیت بیلدینگ» (بزرگترین آسمانخراش جهان) خواهد بود.

برقی که این دستگاه مصرف خواهد کرد به اندازه نصف مصرف برق شهر نیویورک می شود، در عین حال تمام آب آبشار «نیاگارا» برای خنک کردن لامپهای آن مورد نیاز خواهد بود، کتابچه راهنمایی که برای تنظیم و کنترل این ماشین عظیم چاپ شود قطرش دو هزار برابر کتابچه تلفن معمولی در می آید(۲)) بایگانی اطلاعات: بر اساس حسابهایی که شده هر نفر عادی قادر است حدود «ده میلیون میلیون» خاطره را در مغز جای دهد، و به عبارت دیگر، چنانچه مجموعه خاطرات نوشته شده را به صورت کتابهایی با قطع عادی منتشر نماییم. بطور متوسط -

خاطرات يك

1- بدن انسان، تالیف اریث سپرول ترجمه دکتر ا.شکی ص ۱۹۲

و ۱۹۳

2-مجله خواندنیها، تاریخ، ۱۴/۲/۴۲

نفر عادی کتابخانه ای خواهد شد که در حدود چندین میلیون جلد کتاب در آن باشد(۱))

کورتکس مغز انسان که بیشتر از چند میلیمتر قطر ندارد، در هر ذره آن میلیاردها مسائل و اسرار گنجانیده شده است . در کتابخانه های بزرگ بیرون آوردن کتاب مورد نظر با وجود مراجعه به فهرست های مرتب مقداری وقت لازم دارد ولی در بیرون کشیدن مطلب مورد نظر از محفظه مغز با آن همه محفوظات زیاد حیرت انگیز گاهی آنآ صورت می گیرد و هیچ گونه فهرستی در کار نیست .

از کارهای شگفت انگیز مغز آن است که میان میلیونها قیافه و یا میلیونها صدا، آنآ قیافه و یا صدای کسی را از دیگری می شناسد(۲))

مساله حافظه یکی از بزرگترین اسرار دانش است . مغز شما تمام اعمال را عینآ بخاطر می سپارد، البته به نظر ما بعضی وقایع حتی چند ثانیه بعد فراموش شده اند، اما در حقیقت این طور نیست و تحت شرایط معینی دوباره به یاد می آیند؛ مثلا دیده شده است که اشخاص در وضع و حالت خاصی

مسائل - ظاهراً فراموش شده - کودکی خود یا آوازهای قدیمی را
به خاطر می آورند(۳)

برخی از آیات الهی در دستگاههای حرکت

ماهیچه ها عامل تمام حرکات بدن است؛ ماهیچه کار خود را به وسیله «خاصیت کشش» با انقباض و انبساط که منجر به کوتاه شدن فاصله دو نقطه اتصال عضله می شود انجام می دهد.(۴)

انبساط ماهیچه یکی از عجیب ترین پدیده های جهان زیست شناسی است. این که ماده نرم ژلاتین مانندی، ناگهان سخت می شود، و تغییر شکل می دهد، و هزارها برابر وزن خود را بلند می کند و قادر است در هر دقیقه صدها بار این عمل را تکرار کند؛ معجزه آسا است. ماهیچه از تارهای نازکی ساخته شده که با چشم غیرمسلح نیز دیده

1-مجله دانشمند، سال ۶ شماره ۹

2-مقاله دکتر منصور اشرفی در مجله مکتب اسلام، سال ۹

شماره ۶

3- مقاله مغز و اسرار بی انتهای آن، ترجمه بایگان، مجله

دانشمند سال ۲ شماره ۸

4- بدن انسان، ترجمه دکتر بهزاد، ص ۲۵۴

می شود اگر یکی از تارها را زیر میکروسکوپ نگاه کنیم خطهای افقی در آن تشخیص می دهیم که نشان می دهند ماهیچه خود مجموعه ای از تارهای کوچکتر یا تارچه هاست(۱) در حدود ششصد و پنجاه (۶۵۰) ماهیچه در بدن است و روابط پیچیده با یکدیگر دارند(۲) ماهیچه ها بر دو گروه تقسیم می شوند. ماهیچه ها همیشه بطوری ترتیب یافته اند که هر دو ماهیچه یا هر دو گروه ماهیچه عکس هم کار می کنند؛ مثلا اگر يك ماهیچه در بازو عمل خم کردن را انجام می دهد، دیگری عمل راست کردن آن را به عهده دارد.

برخی از آیات الهی در دستگاه توالد

دستگاه توالد یکی از بخشهای اعجاب انگیز مجموعه بدن انسان است، که به وضوح از آفرینش حکمت آمیز آفریدگار حکایت می کند .

دقت در دستگاه توالد اناث و ذکور، ما را در برابر فصل گویایی از کتاب توحید و معرفت آفریدگار قرار می دهد، که چگونه هر کدام مکمل دیگری بوده، و همانند دو قسمت مختلف يك کارخانه هستند، که برای تولید يك محصول معين، تشریک مساعی نموده، و هر کدام بخشی از فعالیت‌های مربوط به آن را انجام می دهد. و فعالیت در یکی از دو بخش، مقدمه فعالیت بخش دیگر و فعالیت بخش دیگر مکمل فعالیت بخش قبلی است؛ مراحل حیرت انگیز هر دو بخش ما را به حکمت آفرینش آشنا ساخته و خدای جهان را به ما می شناساند .

برخی از آیات الهی در قیافه انسانها (تمایز قیافه انسانها)

«هو الذی یصور کم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو

العزیز الحکیم» - آل عمران 6 /

خداست که شما را در رحمهای مادران، آن گونه که بخواهد تصویر می کند، جز خداوند عزیز حکیم (که هر کار را به حکمت

انجام می دهد) خدایی نیست. چه حکمت بزرگی در آفرینش
قیافه و چهره انسانها به کار رفته، که از همدیگر شناخته می
شوند

- 1- تحقیقی درباره ماهیچه نگارش زنت گیورکی، از کتاب شناخت
حیات ترجمه دکتر بهزاد ص ۳۰۹-۳۱۲
 - 2- تن آدمی ص ۱۳۷ بدن انسان ص ۲۵۴
- میلیاردها افراد انسان، در عین حال که همه ذرات و ساختار بدن
آنها، از قوانین دقیق منظم - حاکم بر همه انواع انسان - متابعت
می کند، هر کدام دارای قیافه و چهره ویژه ای می باشد که
مایه شناسایی او از میلیونها و میلیاردها انسانهای دیگر است.
در افراد يك نوع فراورده که از يك ماده و محصول يك ماشین است
کوچکترین فرقی نیست، چگونه است؟ میلیاردها انسان که از
حيث ماده و فرمول آن و همه دستگاه ساختمان آنها تحت يك
سری قوانین منظم آفریده شده، آنقدر با هم تفاوت قیافه دارند
که میان میلیاردها انسان، يك نفر هم نمی توان یافت که هیچ
تفاوتی در قیافه آنها نباشد حتی دو قلوها که شبیه هم هستند
با دقت می توان تفاوتی در آنها یافت. اگر همه انسانهای آفریده

شده در طول زمان آفرینش به ترتیب، گردآوری شوند باز از
همدیگر متفاوت خواهند بود .

می گویند خطوط سر انگشتان انسانها هم چنین است; خطوط
سرانگشت هیچ انسانی با خطوط سرانگشت هیچ انسان
دیگری منطبق نمی شود; در عین حال که خطوط انگشتان
دست راست هر انسانی با خطوط انگشتان دست چپ او کاملا
مطابق است .

توجه به آیات الهی در تشکیلات بدن سائر حیوانات

آنچه گفته شد راجع به تشکیلات بدن انسان بود. بدن هر نوع از
حیوانات از كوچك و بزرگ اعم از حشرات و چرندگان و خزندگان و
پرنندگان و حیوانات دریائی، دارای تشکیلات خاصی است که
مانند تشکیلات بدن انسان پیچیده و یا پیچیده تر از آنست .
بدن برخی از آنها با وجود جثه كوچك دارای دستگاههای بسیار
قوی تر از دستگاههای بدن انسان می باشد، که متناسب با
زندگی خاص او آفریده شده است .

برهان هشتم خداشناسی: برهان جمال

زیبائیها و ظرافتهایی که در آفرینش به کار رفته از حد توصیف بیرون است. طبیعت چنان زیباست، که هیچ نقاش و صورتگر چیره دستی نمی تواند به آن زیبایی و ظرافت منظره ای را ترسیم کند. میان تابلوهای نقاشی آن تابلو زیباتر و ارزشمندتر شمرده می شود که به مناظر طبیعت شبیه تر باشد .

زیبائی پیکره انسان

«و صورکم فاحسن صورکم و الیه المصیر» (۱) صورت شما را

بساخت و آن را زیبا کرد .

زیبایی اعضای بدن انسان از سر، تنه، دست و پا و رخصاره از چشم گوش، ابرو، دهان، و بینی و غیر آن، و سپس زیبایی صورت ترکیبی آنها به گونه ای آفریده شده که هرگز متناسبتر و زیباتر از آن متصور نیست .

چشمهای زیبای انسان: مردمک سیاه در وسط دایره قهوه ای رنگ یا آبی، یا رنگ زیبای دیگر در میان سپیدی چشم، با مژه

شناخت امام بواسطه تعیین امام سابق بر او. و معجزات

روایاتی که بالخصوص در مورد امامت هر امامی بواسطه امام سابق وارد شده متواتر است، برای اثبات آن تنها مراجعه به کتاب «إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات» (تالیف محمدبن الحسن حرعاملی) کافی است، این کتاب را برای اثبات نبوت پیامبر اکرم (ص) و امامان دوازده گانه با نصوص و معجزات متواتر تألیف کرده، و برای هر امام دو باب منعقد نموده که هر بابی مشتمل بر فصول متعدد است، يك باب در نصوصی که از امام سابق بر او در معرفتی امامت او وارد شده است، و يك باب دیگر در معجزاتی که از او صادر شده است. فهرست ابواب را در مقدمه کتاب ذکر نموده و گفته است: همه احادیث این ابواب متواتر است، و در صفحه ۱۱ از مقدمه کتاب گفته است: معجزات ائمه (علیهم السلام) و نصوص درباره امامت و ولایت اینها کمتر از معجزات و نصوص بر نبوت پیامبر اکرم(ص) نیست، بلکه معجزات و نصوص بر امامت آنها بر معجزات و نصوص بر نبوت پیامبر اسلام از حیث عدد و زیادی اخبار و قوت سند و روشنی دلالت و نزدیکی زمان ما نسبت به زمان صدور روایات، و وارد شدن

بسیاری از آنها از طرق عامه و غیر اینها، مزیت دارد. و در صفحه 17 و ۱۸ (از مقدمه کتاب) گفته است خبر متواتر خبری است که خبر دهندگان آن بقدری زیاد باشد که بدون در نظر گرفتن قرائن، علم و یقین به صدق مضمون خبر حاصل شود، زیرا محال است عادتاً آن همه خبردهنده که هر کدام جداگانه به دور از دیگری خبر داده است با هم بر ساختن آن خبر تبانی کرده باشند و اینکه خبر متواتر موجب علم و یقین است، امری است معلوم و وجدانی که هیچ عاقلی در آن شك نمی کند... تا اینکه گوید: چون بر معنای تواتر آگاه شدی، تواتر نصوص و معجزاتی که ذکر خواهیم کرد بر تو آشکار می شود، بلکه میدانی که از حد تواتر هم به مراتب زیادتر است، زیرا عدد آنها خیلی زیادتر از همه چیزیهایی است که بر تواتر لفظی یا معنوی آنها اتفاق نظر شده است،... بعد می افزاید: بدیهی است که عدد ناقلین شیعه و غیر آنها باندازه ای است که از حد و حصر بیرون است و تحقق شرایطی که برای تواتر ذکر شد بطوری واضح است که هیچ شکی در آنها نیست .

بعد اضافه می کند: اگر اهل سنت انصاف را رعایت کنند می فهمند که تواتر نصوص ائمه ما و معجزاتشان، از تواتر نصوص پسگمبر و معجزاتش واضح تر است .

نگارنده گوید: از جمله علماء اهل سنت که اعتراف نموده است به اینکه امامت هر امامی بواسطه امام سابق منصوص است، محمد بن طلحه شافعی است که در کتاب «مطالب السؤل» ص ۵ - گوید: امامت برای هر يك از آنها، از امام پیش از وی حاصل

شده، پس امامت برای حسن از جانب پدرش علی بن ابی طالب(ع) ثابت شده بعد از او برای برادرش «حسین» از جانب او حاصل شده، و بعد از «حسین» برای فرزندش «زین العابدین» از جانب او، بعد از «زین العابدین» برای فرزندش محمدباقر از جانب وی، و بعد از حضرت باقر برای فرزندش «جعفرصادق» از جانب او، و بعد از حضرت صادق برای فرزندش «موسی کاظم» از جانب وی، و بعد از حضرت کاظم، برای فرزندش «علی بن موسی الرضا(ع)» از ناحیه او و بعد از «حضرت رضا» برای فرزندش «محمد قانع» از جانب وی ، و بعد از قانع «امام جواد» به فرزندش «علی متوکل» از ناحیه او بعد از «علی متوکل» برای فرزندش «حسن خالص» از طرف وی و بعد از حضرت «خالص»

(عسکری) برای فرزندش «محمد حجت مهدی» از جانب پدرش، ثابت شده است. و اما امامت امیرالمومنین به کاملترین وجه در کتب اصول عقاید، اثبات شده و ما را در این کتاب نیازی به تفصیل به سخن در آن نیست. (۱)

1- مطالب السؤوال، تألیف کمال الدین محمدبن طلحة شامی شافعی مذهب که متوفای سال 654 هـ ثبت شده است .

امام دوازدهم حجه الله غائب منتظر (ع) مهدی محمدبن الحسن

فرجه العسکری عجل الله

در مورد امامت حضرت بقیة الله الاعظم روحی له الفداء وسایر خصوصیات آنحضرت بحث بسیار است، به جهت اختصار تنها به ذکر فهرست کتاب «من هو المهدی (عج)» که بقلم نگارنده این کتاب است و اشاره به خلاصه بعضی از مطالب آن اکتفا می کنیم :

فصل اول: در مورد کلام حضرت ختمی مرتبت (ص) که

فرموده: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است .

فصل دوم: در حدیث ثقلین و مدارك آن از کتابهای اهل سنت .

فصل سوم: در تصریح رسول الله (ص) بر عدد ائمه دوازده گانه از کتب اهل سنت .

فصل چهارم: در تعیین پیامبر(ص) ائمه (دوازده گانه) را و تصریح او به اسامی آن بزرگواران از کتب اهل سنت .

فصل پنجم: در تواتر احادیث وارده درباره مهدی (ع) از پیامبر اکرم (ص) پیش اهل سنت .

در این فصل آمده است کثرت احادیث وارده در مورد مهدی (ع) به حدی است که کمتر موضوعی در اسلام هست که احادیث درباره آن به اندازه موضوع مهدی (ع) از طریق فریقین اهل سنت و شیعه) از پیامبر اکرم (ص) وائمه اطهار (ع) یکی پس از دیگری صادر شده باشد .

تنها احادیثی که از طرق اهل سنت در مورد مهدی (ع) از پیامبر اسلام وارد شده، در حد تواتر است، به این مطلب عده ای از بزرگان اهل سنت گواهی داده اند که از جمله آنها افراد ذیل است :

(1)حافظ عسقلانی، در «تهذیب التهذیب» ج ۹ ص ۱۴۴ طبع

حیدر آباد دکن، گوید :

اخبار و روایات از مصطفی (ص) در مورد مهدی و اینکه او از اهل بیت اوست و در روی زمین هفت سال حکومت می کند و زمین را پر از عدل نموده و عیسی در کشتن دجال به او کمک می کند، و او به این امت امامت نموده و عیسی پشت سر او نماز می خواند، متواتر بوده و بیش از حد وارد شده است .

(2) سیوطی در کتاب «الحاوی للفتاوی» عین همین مطلب را بیان نموده است .

(3) ابن حجر هیثمی در «الصواعق» ص ۱۶۵ طبع مصر گوید : ابوالحسین آجری گفته است: روایات از مصطفی (ص) در مورد خروج مهدی و اینکه او از اهل بیت آنحضرت است و زمین را پر از عدل و داد می کند و با عیسی خروج می کند و در قتل دجال در سرزمین فلسطین به عیسی کمک می کند، و او به این امت امامت نموده و عیسی پشت سر او نماز می خواند، در حد تواتر بوده و بیش از حد است .

(بعد ابن حجر هیثمی) می افزاید: آنچه که ابوحسین آجری گفته «عیسی به مهدی اقتدا نموده و پشت او نماز می خواند،» نیز روایات بر آن دلالت دارد .

(4) شبلنجی در کتاب «نورالابصار» ص ۱۷۱ طبع مصر گوید :

اخبار و روایات از پیامبر اسلام متواتر است که مهدی از اهل بیت او بوده و زمین را پر از عدل و داد می کند و همچنین اخبار متواتر است که او در کشتن دجال به عیسی کمک می کند .

(5) شیخ محمد حنفی مصری در کتاب «اتحاف اهل الاسلام»

گوید :

اخبار از پیامبر اسلام (ص) متواتر است که مهدی خروج می کند .
(6) محمد بن رسول برزنجی در کتاب «الاشاعة لاشراط الساعة»

ص ۸۷ طبع مصر گوید:

محمد بن حسن اسفندی در کتاب مناقب الشافعی گفته است:
اخبار از رسول خدا (ص) متواتر است که مهدی از اهل بیت اوست .

(7) شیخ محمد صبان در «اسعاف الراغبین» ص ۱۴۰ طبع مصر

گوید :

اخبار و روایات از پیامبر اسلام متواتر است که مهدی خروج می کند و از اهل بیت بوده و زمین را پر از عدل و داد می کند و در کشتن دجال در فلسطین کنار باب لد به عیسی کمک می کند و اینکه او به این امت، امامت نموده و عیسی پشت سر او نماز می خواند .

(8) سویدی در «سبائك الذهب» ص ۷۸ طبع مصر گوید: آنچه علماء بر آن اتفاق نظر دارند این است مهدی کسی است که در آخرالزمان قیام نموده و زمین را پر از عدل و داد می کند . احادیث مهدی را حفاظ اهل سنت در صدها کتاب اعم از کتب تفسیر، کلام، عرفان، تراجم و لغت و تاریخ، آورده و روایت کرده اند . فصل ششم: در ویژگی مهدی (ع) که زمین را پر از عدل و داد می کند .

در این فصل در مورد این ویژگی مهدی (ع) سی حدیث توسط بیست کتاب از کتب اهل سنت از رسول خدا (ص) روایت نموده ایم و همچنین در (تعلیقات) احقاق الحق، ج ۱۲ از شصت و چهار کتاب از کتب اهل سنت روایت شده است . فصل هفتم: در بخشی از احادیث اهل سنت از رسول خدا (ص) درباره مهدی است .

1- رسول خدا فرمود: هر کس انکار کند خروج مهدی را به تحقیق کافر شده به آنچه بر محمد نازل شده است از کتب اهل سنت، از جمله: فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۳۴ .

2- رسول خدا (ص) فرمود: مهدی از سادات اهل بهشت است، از کتب اهل سنت، از جمله: «سنن ابن ماجه» ج ۲ ص ۵۱۹ .

3- رسول خدا فرمود: مهدی طاووس اهل بهشت است، از کتب

اهل سنت، از جمله: «فصول مهمه ص ۲۷۵»

4- رسول خدا فرمود: اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر يك روز،

البته خدای متعال آنروز را طولانی می کند تا اینکه مردی از اهل

بیت من مالک (زمین) گردد. خدا حوادث بزرگ و مهم به دست آن

حضرت اجرا نموده و(حقایق) اسلام را آشکار می کند، خدا به

وعده های خود خلف ننموده و سریع الحساب است، از کتب

اهل سنت، از جمله: «الحاوی للفتاوی ص ۶۴»

5- رسول خدا فرمود: بعد از گذشت زمان طولانی و ظهور فتنه

ها مردی ظهور می کند که اسم او مهدی است و عطا و بخشش

او گوارا و لذت بخش خواهد بود، از کتب اهل سنت، از

جمله: «اربعین ابی نعیم حدیث ۲۴».

6- رسول خدا فرمود: جماعتی از مردم از سوی مشرق قیام

نموده و مقدمات حکومت مهدی را فراهم می کنند، از کتب اهل

سنت، از جمله: «سنن ابن ماجه» ج ۹ ص ۵۱۹ .

7- رسول خدا فرمود:... مهدی در میان آنها ظهور می کند او از

اولاد دخترم فاطمه است، خدا به واسطه آنان حق را آشکار

نموده و باطل را به وسیله شمشیرهای آنان نابود می کند. از کتب اهل سنت، از جمله: «مناقب خوارزمی» ص ۲۴ .

8- رسول خدا فرمود: اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر يك روز، خدا آن روز را طولانی گرداند تا مردی از اهل بیت من بر آنان حکومت و فرمانروایی کند در حالی که ملائکه و فرشتگان در پیش روی او هستند. او اسلام را آشکار می کند. از کتب اهل سنت، از جمله «مختصر تذكرة قرطبی». ص ۱۲۷

9- رسول خدا فرمود:...البته مهدی زیورآلات بیت المقدس را گرد آورده، به آن باز می گرداند، سپس با اصحابش سیر خود را ادامه داده، تا به پشت رومیّه می آیند. از کتب اهل سنت، از جمله: «البیان فی اخبار آخر الزّمان». ص ۹۷

10- رسول خدا فرمود: در آخرالزمان خلیفه ای می آید که مال را بدون شمارش و محاسبه در میان مردم تقسیم می کند(هر کس به اندازه نیازش از آن بر می گیرد). از کتب اهل سنت، از جمله: «مسند احمد» ج ۳ ص ۲۸ و ص ۳۳۳ .

11- رسول خدا فرمود: مهدی از دهی که به آن کریمه می گویند ظهور می کند. از کتب اهل سنت، از جمله: «اربعین ابن

نعیم». حدیث ۷

- 12- رسول خدا فرمود: اصحاب کهف یاران مهدی هستند. از کتب اهل سنت، از جمله: «نشرالمعلمین ص ۱۲».»
- 13- رسول خدا فرمود: مهدی در میان امت من است. وقتی که ظاهر شد...مرد نزد مهدی می آید و می گوید ای مهدی به من عطایی بفرما، حضرت آنقدر که بتواند حمل کند عطا می کند. از کتب اهل سنت، از جمله: «صحیح ترمذی ج ۹ ص ۷۵».»
- 14- رسول خدا فرمود: قیامت بر پا نمی شود مگر اینکه مهدی ظاهر شود... از کتب اهل سنت، از جمله: «عقدالدرر» مخطوط .
- 15- رسول خدا فرمود: بهترین عبادت انتظار فرج است. از کتب اهل سنت، از جمله: «فرائدالسمطین ج ۲ ص ۲۳۵».»
- 16- رسول خدا بعد از آنکه خصوصیات و شرایط زمانی را توصیف کرد، فرمود: آن زمان، زمان خروج و ظهور مهدی است. از کتب اهل سنت، از جمله «سنن الهدی» ص ۴۷۴.
- 17- رسول خدا بعد از ذکر قسمتی از علائم ظهور مهدی فرمود: زمانیکه او را دیدید با او بیعت کنید اگر چه با خزیدن روی برفها باشد، زیرا او خلیفه خدا، مهدی است. از کتب اهل سنت، از جمله «سنن ابن ماجه» ج ۹ ص ۵۱۹ .

18- رسول خدا فرمود: مهدی ظهور می کند در حالی که بالای

سر او ملکی ندا می کند: این مهدی خلیفه خدا است از او متابعت نمایید. و در حدیث دیگر دارد: مهدی در حالی ظهور می کند که ابری بالای سر او خواهد بود از میان آن ابر منادی ندا می کند: این مهدی خلیفه خدا است، از او متابعت کنید. از کتب اهل سنت، از جمله «اربعین ابن نعیم، حدیث ۱۶ و ۱۷» .

19- رسول خدا فرمود: مردی از اهل بیت من ظهور می کند که اسم او مهدی است، پس اگر او را دیدی، از او متابعت کن تا از هدایت یافتگان باشی. از کتب اهل سنت، از جمله «الحاوی الفتاوی» ج ۲ ص ۶۷ .

20- رسول خدا فرمود: مهدی از ماست، (او) دارای پیشانی نورانی و بینی باریک است .

از کتب اهل سنت، از جمله «اربعین ابی نعیم» حدیث ۱۰ .

21- رسول خدا فرمود: خدا این دین را به سبب علی(ع) پیروز گردانیده است و زمانی که او کشته شد دین فاسد می شود و جز مهدی کسی نمی تواند آن را اصلاح کند. از کتب اهل سنت، از جمله: ینابیع المودة ص ۴۴۵ و ۲۵۹ .

22- رسول خدا فرمود: زمانی که قائم آل محمد قیام کرد خدا
اهل شرق و غرب را برای او جمع می کند. از کتب اهل سنت، از
جمله «منتخب تاریخ دمشق» ج ۵ ص ۲۸۴ .

23- رسول خدا فرمود: مهدی در آخرالزمان ظهور نموده و خدا
باران را در اختیار او می گذارد. از کتب اهل سنت، از
جمله «مستدرک الصحيحین» ج ۵ ص ۵۵۷ .

24 تا ۳۰ - احادیث وارده از رسول خدا در کتب اهل سنت در اینکه
«مهدی از اهل بیت پیامبر است» .

در کتاب (من هو المهدی) هفت حدیث در آن از کتب اهل سنت
آورده ایم و بعضی از احادیثی که در فصول گذشته ذکر شده نیز
بر آن دلالت دارد .

احادیث وارده از رسول خدا در کتب اهل سنت در اینکه «مهدی
از اولاد فاطمه است» . «برخی از آنها بدینقرار است :

31- حدیث ام سلمه «سنن ابن ماجه» ج ۲ ص ۵۱۹ و «سنن

ابی داود» ج ۴ ص ۱۵۱

32- حدیث حسین بن علی (ع) «منتخب کنز العمال ج ۵ ص ۹۶»

33- حدیث ابی ایوب انصاری «البیان فی اخبار آخرالزمان

ص ۳۱۰»

احادیث وارده از رسول خدا در کتب اهل سنت که «مهدی از

اولاد حسین است.» برخی از آنها بدینقرار است :

34- حدیث هلال «ادبعین ابی نعیم» حدیث پنجم

35- حدیث حذیفه «ذخایر العقبی» ص ۱۳۶ .

36- حدیث ابن عباس «مناقب عبدالله شافعی .»

احادیث وارده از رسول خدا در کتب اهل سنت در اینکه «مهدی

همنام رسول خداست.» برخی از آنها بدینقرار است :

37- حدیث ابن مسعود «صحیح ترمذی» ج ۹ ص ۷۴ .

38- حدیث علی (ع) «الاعتقاد بیهقی» ص ۱۰۵

39- حدیث الدارمی «تذکره الحفاظ» ج ۱ ص ۷۵۶ .

40- حدیث ابی هریره «صحیح ترمذی» ج ۹ ص ۷۴۰ .

احادیث وارده از رسول خدا در کتب اهل سنت در اینکه عیسی

در زمان مهدی نازل خواهد شد. برخی از آنها بدینقرار است :

41- حدیث ابی هریره، در ذیل این حدیث آمده است که او

صلیب را خواهد شکست. «المعجم الصغیر» ص ۱۵۰ .

42- حدیث ابن عباس، در ضمن این حدیث آمده است که: مهدی

از فرزندان من، در وسط امت من و عیسی در آخر آن

است. «مناقب ابن مغزلی» ص ۳۹۵.

43- حدیث جابر بن عبدالله: و در قسمتی از آن آمده است که:
عیسی بن مریم فرود می آید پس امیر آنان (مهدی) به او می
گوید: بیا تا با تو نماز بگذارم. عیسی گوید: شما خود برخی بر
برخی امیر هستید، و این لطف و کرامت خدا در حق این امت
است. «صحیح مسلم» ج ۱ ص ۹۵ .

44- حدیث حذیفه، در ضمن آن آمده است که: عیسی پشت
سر مردی از اولاد من نماز می خواند. «الحاوی للفتاوی» ص ۸۱ .

45- حدیث ابی امامة الباهلی، در ضمن آن آمده است
که: عیسی در نماز دست خود را میان دو شانه مهدی می
گذارد، و به او می گوید: جلو بایست. «سنن ابن ماجه» ج ۹
ص ۵۱۹ .

46- حدیث ابی هریره، در آن آمده است: رسول خدا فرمود:
چگونه خواهید بود زمانی که پسر مریم در بین شما نازل گردد در
حالی که امام شما از خود شماست. «صحیح بخاری» ج ۴ ص ۲۰۵ و
«صحیح مسلم» ج ۱ ص ۹۴ .

47- حدیث ابی سعید خدری، در آن آمده: رسول خدا فرمود: از
ماست کسی که عیسی پشت سر او نماز می خواند. «اربعین
ابی نعیم» حدیث ۳۸ .

(48) ۶۹ و بعد از اینها بیست و دو حدیث از رسول خدا در مورد
علائم ظهور مهدی از کتب اهل سنت با تعیین صفحه نقل نموده
ایم .

فصل هشتم: در اینکه زمین از حجت پروردگار خالی نمی ماند،
احادیثی که در آن وارد شده بقدری زیاد است که در حد قطع و
یقین است، ما تعداد «یکصد و هفت حدیث» از آنها را در کتاب
«من هو المهدی» وارد کرده ایم. فصل هشتم: در اینکه زمین از
حجت پروردگار خالی نمی ماند، احادیثی که در آن وارد شده
بقدری زیاد است که در حد قطع و یقین است، ما تعداد «یکصد و
هفت حدیث» از آنها را در کتاب «من هو المهدی» وارد کرده ایم .

ضرورت وجود حجة الله معصوم در هر عصر و زمان

انسان دارای ویژگی هائی است که در هیچ يك از موجودات
جهان وجود ندارد، او موجودی است دارای قدرت تفکر و نیروی
عاقله که با کاربرد آن می تواند راه های خداشناسی را پیموده،
و نفس خود را در میدان مشتهیات زندگی مهار کرده و صراط
مستقیم الهی را طی کند، این مزیتی است که انسان در میان
انواع گوناگون جانداران با آن ممتاز است، به دلیل وجود همین

مزیت است که قرآن هدف از آفرینش انسان را چنین معرفی می کند :

«وما خلقت الجنّ والانس الا ليعبدون» (من جن وانس راجز

برای عبادت خود نیافریدم) (۱) انسان تنها موجود در این جهان است که تکلیف و اوامر و نواهی الهی بسوی او متوجه است، هیچکدام از موجودات این جهان مورد تکالیف الهیه نیستند، تنها انسان است که پروردگار عالم در این جهان او را مکلف ساخته است، و به او اختیار اطاعت و معصیت و موافقت و مخالفت اوامر الهی را داده است، که باختیار خود می تواند خدا را اطاعت یا معصیت کند. او اگر با وجود قدرت بر معصیت از آن پرهیز و خدا را اطاعت کند بر فراز قلّه آفرینش قرار می گیرد .

پس هدف اصلی پروردگار متعال از خلقت نوع انسان آفرینش موجودی است که باختیار خود با وجود قدرت بر معصیت خدا را اطاعت کند، و اگر در عصر و زمانی در بنی نوع انسان فردی نباشد که معصوم بوده و صرفاً خدا را اطاعت کند و از معصیت دوری و تجنّب نموده و بهیچوجه آلوده به گناه نشود، هدف کامل

پروردگار متعال از آفرینش انسان در آن عصر و زمان حاصل نشده،
و این محالست که هدف اصلی پروردگار متعال حاصل نشود
آری، غرض نهایی از ایجاد نوع انسان وخلق آن به شهادت قرآن
کریم، اطاعت و عبودیت (خدای تعالی) است، خداوند متعال می
فرماید: «جنّ و انس را نیافریدم مگر اینکه مرا عبادت کنند .
پس آنچه هدف خداوند متعال را از خلقت نژاد انسان عینیت می
بخشد، فردی است که با اختیار خود با وجود قدرت بر معصیت
خدا را اطاعت نموده و آنرا با معصیت و عبودیت را با تمرد آلوده
نکند و به عرفان و معرفت الهی لباس جهل و جهالت نپوشاند.
ولی انسانهای دیگر می توانند به کمال نسبی برسند
، لکن کاملترین فرد نوع انسان که هدف نهایی خدا بواسطه آن
تحقق می یابد، همان کسی است که در بلندترین قلّه انسانیت
جا گرفته است. این فرد از انسان همان شخص معصوم است که
در سراسر عمرش آنی معصیت الهی از او سر نزده است، او
حجّت الله است که اقوال و افعال او مظهر حقّ و معیار احکام
الهی است. این است که در نصوص و روایات آمده است هیچ
زمانی از زمانها روی زمین از حجّت خدا خالی نمی ماند .

فصل نهم: در اخبار پیامبر اکرم و ائمه اطهار از غیبت قائم(ع)
است .

در این فصل (۲۹) حدیث از پیامبر(ص) و (۱۶) حدیث از
امیرالمؤمنین، و يك حدیث از حسن بن علی، و(۵) حدیث از
حسین بن علی، و(۸) حدیث از زین العابدین علی بن
الحسین، و(۱۹) حدیث از ابی جعفر باقر، و (۶۲) حدیث از امام
صادق، و (۱۰) حدیث از موسی بن جعفر، و(۱۱) حدیث از علی
ابن موسی، و (۵) حدیث از امام جواد، و (۶) حدیث از امام
هادی، و (۱۸) حدیث از امام حسن عسکری وارد کرده ایم. (۱)
احادیث دیگری هم از نبی اکرم(ص) و امیرالمؤمنین مشتمل بر
اخبار از غیبت قائم بدست آمده است که انشاءالله در چاپهای
بعدی اضافه خواهیم کرد .

از جمله آن احادیث: حدیث کمیل بن زیاد است که در کمال الدین
ص ۲۸۹-۲۹۴ با سیزده سند از امیرالمؤمنین علی(ع) روایت کرده
است که در قسمتی از آن چنین آمده است که آنحضرت گفت :
«آری، خدایا تو هرگز زمین را از بپادارنده حجت الهی خالی نمی
گذاری، خواه ظاهر و آشکار باشد و یا ترسان و پنهان، تا دلایل

الهی و نشانه های روشن او باطل نگردد، آه آه چقدر مشتاق دیدار آنم. صدوق گوید: برای این حدیث طرق زیادی وجود دارد . همچنین در این فصل ذکر شده افراد زیادی به محضر امام زمان(ع) در غیبت صغری و کبری در اعصار مختلف و قرن های متمادی تا عصر حاضر مشرف شده اند .

فصل دهم: در این فصل درباره سه چیز سخن رفته است .
(1) غرض از غیبت آنحضرت امتحان انسانها است تا آنهایی که خدا را اطاعت نموده و به غیبت ایمان دارند از دیگران بازشناخته شوند .

(2) ولایت ظاهری و باطنی امام .

(3) پاسخ از اشکال طول عمر آنحضرت .

فصل یازدهم: در علت تأخیر قیام آن حضرت است. و در آن سه حدیث ذکر شده است .

فصل دوازدهم: در معرفی رسول اکرم(ص) اسم و نسب و یکایک پدران مهدی(عج) را

فصل سیزدهم: در معرفی امیرالمؤمنین علی (ع) اسم و نسب و یکایک پدران مهدی(عج) ر

فصل چهاردهم: در معرفی امام حسن مجتبی(ع) اسم و نسب و
یکایک پدران مهدی(عج) را

فصل پانزدهم: در معرفی سیدالشهداء امام حسین(ع) اسم و
نسب و یکایک پدران مهدی(عج) را

فصل شانزدهم: در معرفی امام سجاد(ع) اسم و نسب و یکایک
پدران مهدی(عج) را

فصل هفدهم: در معرفی امام باقر(ع) اسم و نسب و یکایک
پدران مهدی(عج) را

فصل هجدهم: در معرفی امام صادق(ع) اسم و نسب و یکایک
پدران مهدی(عج) را

فصل نوزدهم: در معرفی امام کاظم(ع) اسم و نسب و یکایک
پدران مهدی(عج) را

فصل بیستم: در معرفی امام رضا(ع) اسم و نسب و یکایک پدران
مهدی(عج) را

فصل بیست و یکم: در معرفی امام جواد(ع) اسم و نسب و
یکایک پدران مهدی(عج) را

فصل بیست و دوم: در معرفی امام هادی(ع) اسم و نسب و
یکایک پدران مهدی(عج) را

فصل بیست و سوم: در معرفی امام حسن عسگری(ع) اسم و

نسب و یكايك پدران مهدی(عج) را

فصل بیست و چهارم در اینکه مهدی(عج) یازدهمین فرزند پیامبر

است، در آن (۱۳۱) حدیث آورده ایم .

فصل بیست و پنجم در اینکه مهدی(عج) دهمین فرزند علی (ع)

است، در آن (۱۳۴) حدیث آورده ایم .

فصل بیست و ششم در اینکه مهدی(عج) نهمین فرزند

حسین(ع) است، در آن (۱۳۱) حدیث آورده ایم .

فصل بیست و هفتم در اینکه مهدی(عج) هشتمین فرزند علی

بن حسین(ع) است، در آن (111) حدیث آورده ایم .

فصل بیست و هشتم در اینکه مهدی(عج) هفتمین فرزند

محمدبن علی باقر(ع) است، در آن (111) حدیث آورده ایم .

فصل بیست و نهم در اینکه مهدی(عج) ششمین فرزند جعفربن

محمدصادق(ع) است، در آن (110) حدیث آورده ایم .

فصل سی ام در اینکه مهدی(عج) پنجمین فرزند موسی بن

جعفر(ع) است، در آن (۱۰۶) حدیث آورده ایم .

فصل سی و یکم در اینکه مهدی(عج) چهارمین فرزند علی بن

موسی الرضا(ع) است، در آن (98) حدیث آورده ایم .

فصل سی و دوم در اینکه مهدی(عج) سومین فرزند محمدبن علی جواد(ع) است، در آن (۹۷) حدیث آورده ایم .

فصل سی و سوم در اینکه مهدی(عج) دومین فرزند علی بن محمدهادی(ع) است، در آن (۹۶) حدیث آورده ایم .

فصل سی و چهارم در اینکه مهدی(عج) فرزند(بلافصل)حسن بن علی عسگری(ع) است، در آن (96) حدیث آورده ایم .

فصل سی و پنجم در تاریخ ولادت حضرت مهدی(عج) از کتب اهل سنت، در این فصل اسامی (32) نفر از علماء اهل سنت را که تاریخ ولادت حجة بن الحسن المهدی(عج) را در کتابهای خود ثبت کرده اند ذکر شده است .

فصل سی و ششم در اشخاصی که در زمان پدر بزرگوارش به دیدار آنحضرت نائل شده اند .

فصل سی و هفتم در اشخاصی که زمان غیبت صغری به فیض دیدار آنحضرت نائل شده اند، اسامی (۲۶۶) نفر از آنان در این

فصل ذکر شده است

فصل سی و هشتم در توقیعات صادره از آنحضرت در غیبت صغری، در این فصل(۲۸) توقیع از کتاب کافی، و (۲۷) توقیع از

کتاب کمال الدین و (۱۸) توقیع از کتاب غیبة شیخ، و (16) توقیع
از کتاب احتجاج آورده شده است

فصل سی و نهم در اشخاصی که در غیبت کبری به دیدار
آنحضرت نائل شده اند. تعداد آنها بیشمار است، و در هر عصری
تا عصر حاضر کسانی به دیدار آنحضرت نائل شده اند، حتی در
عصر حاضر برخی از آنها را می شناسیم. در این فصل نام عده ای
از کتابها که برای ثبت اسامی کسانی که به دیدار آنحضرت نائل
شده اند تالیف شده، مذکور است .

فصل چهلم در وکلاء آنحضرت در زمان غیبت صغری، در این فصل
تعدادی از کرامات را که از وکلاء آنحضرت صادر شده مذکور است .

1-سوره الذاریات/آیه ۵۶

والسلام ./.